



خیلی‌ها با دیدن این برنامه مسلمان شدند

گفت‌وگو با عباس موزون، مجری برنامه پربیننده «زندگی پس از زندگی»

صفحه ۶

باز خوانی نام و سیره شهدای کربلا

در دلم افتاده هفتاد و دو نور

➤ هر یک از اصحاب چطور شهید شدند؟

➤ تاریخ درباره اصحاب چه گفته است؟

صفحات ۳ و ۲

۴۰۰ آیین عزادار ایران

برخی از آیین‌های عزاداری محرم در کشورمان به ثبت ملی رسیده است

۱۵



شیوه سینه‌زنی و زنجیرزنی جزو میراث ناملموس به ثبت رسیده است.

۴۱



محدوده در کشورمان مراسم آیینی نخل گردانی و طبق گردانی دارند.



۱۴



شهر و روستا در کشور توانسته‌اند آیین سنگ‌زنی‌شان را به ثبت برسانند.

۶۷



اجرای مراسم شبیه‌خوانی و تعزیه جزو میراث ناملموس قرار گرفته است.

صفحه ۷

HAMSHAHRI • ISSN 1735-6386 • Vol.31 • No.8841 • FRI • JUL.28 • 2023

جمعه ۶ مرداد ۱۴۰۲ • ۱۴۴۴ سال سی و یکم • شماره ۸۸۴۱ • ۸ صفحه • ۵۰۰۰ تومان • هفتاد و دو شماره ۱۱

سالروز شهادت حضرت سیدالشهدا، ابا عبد الله الحسین علیه‌السلام و یاران با وفایش را تسلیت می‌گوییم



عاشورای ما همان جنگ روایت این روزهاست

اگر زینبی روایت نکنیم

اگر بموقع روایت نکنیم، باز هم شهید می‌دهیم

➤ روایت‌گری حضرت زینبؓ، نیاز امروز جامعه

➤ چطور زینبؓ زمانه خود باشیم؟

صفحه‌های ۴ و ۵

طرح: پیمان شاد



یادداشت

علی مهدیان؛ استاد حوزه و دانشگاه



دوران مادوران زینب کبری است، اگر روایت نکنیم....

حاج جعفر جهروتی از قدیمی‌های جنگ می‌گفت در زمان صدام ملعون با اولین گروه‌هایی که برای زیارت عتبات وارد عراق می‌شدند به عراق رفته، در عراق گفتند می‌خواهیم ببریم تان جنایات خمینی را ببینید. ما را در بغداد بردند در خانه‌ای که سقفش سوراخ بود و وسایل بچه هم چیده بودند، که یعنی اینجا موشک خورده، بهشان گفتیم موشک که باید این خانه را خراب کند با خانه‌های اطراف، این جا که چیزی نشده، طرف به تنه پته افتاد، حاج جعفر می‌گفت دروغ می‌گفتند اما من در دلم خیلی سوختم و گریه‌ام گرفت. یاد خرمشهر افتادم و گفتم قدم به قدم این شهر سخن داشت برای کل مردم ایران کاش می‌فهمیدیم، ما در همین تهران می‌توانستیم اردوهای یک‌روزه و دوروزه برای بچه‌های نوجوان بگذاریم از نقاطی که موشک خورده، از نقاطی که ترور کردند جوانان ما را، به جرم عقیده‌شان، از نقاطی که در آن رشد کردند جوانان ما، در فلان شهر ایران مدرسه‌های موشک خورده و ده‌ها کودک شهید شدند، در آن شهر دیگر موشک وسط مراسم روضه زانه خورد و ... روایت نکردیم.

خط نبرد و ظلم به این مردم را ملموس نکردیم که یک دفعه وقتی جنایت‌های این جماعت با آرمان علی‌وردی و روح‌الله عجمیان را دیدند، یک‌ه خوردند. آماده باشند برای تقابل با دنیای کثیف و بی‌رحمی که پشت‌چهره ناپس فیلم‌ها و رسانه‌اش پنهان شده.

روایت نکردیم تا از سرب‌های قهرمانی، نوجوانان ما سراغ قهرمان‌های تخیلی نروند. روایت نکردیم تا در گفت‌وگو با نسل‌های جدید لگنت نداشته باشیم. می‌دانستید کشتن صدها نفر در پاک‌ترین نقطه ایران یعنی حرم امام هشتم، به جرم غیرت داشتن‌شان در مقابل نوامیس‌شان، یعنی فقط ماجرای گوه‌رشاد، درباره‌اش چند کتاب نوشته نشده؟ اتفاقی که بسیاری از مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌ها هنوز از آن خاطره دارند. بسیار کم، نمی‌رسید چرا؟ چرا روایت نکردیم که امسروز بازیگران و دل‌فک‌های فراری ایرانی روز تولد رضاخان را با وقاحت به مردم ایران تبریک گفتند؟

می‌دانستید درباره فتنه ۸۸ به محض آنکه اولین کاروان روایت‌فتنه در تهران حرکت کرد و در نقاط حادثه، شاهان عینی روایت خود را گفتند، رسانه‌های بیگانه چه الم‌شنه‌های به راه انداختند و سران فتنه، پیام و بیانیه داد؟ چرا واقعا؟ می‌دانستید چقدر سخن در بیان خانواده‌های شهدا از ابتدای انقلاب تا شهدای اخیر هست که نگفتیم و نشنیدیم؟

نپرسیده‌اید ماجرای اسناد لانه جاسوسی و آمدنش در کتب درسی چرا پیگیری نشد؟ چرا کتاب‌ها تا مدت‌ها اصلا چاپ هم نمی‌شد؟ این مثال‌ها نشان‌دهنده این است که ما متوجه اهمیت روایت کردن نیستیم، روایت‌مان می‌کنند. خصوصا الان در دوران فیلم و رسانه و شبکه‌های مجازی تحت‌مدیریت و حاکمیت پیچیده مدرن، دوران روایت است و ما را روایت می‌کنند. برایمان هویت می‌سازند. قهرمان می‌سازند. جای قاتل و شهید را عوض می‌کنند.

جای پیروز شده و شکست خورده را عوض می‌کنند و خروجیش چه خواهد شد؟ جوانی که برایش خیانت به کشور آسان است و این یعنی خطر امنیتی. جوانی که برایش رها کردن کشور آسان است و این یعنی سرمایه‌سوزی. جوانی که چشم امیدش به زبان کنیف‌ترین و جای‌تکارترین موجودات این دنیا است که تربیتش کنند این یعنی انحراف. جوانی که هیچ خط قرمزی ندارد دقت کنید هیچ خط قرمزی و چنین موجودی خطرناک‌تر از زامبی‌ها نیست؟

ادامه در صفحه ۵

داده‌نما

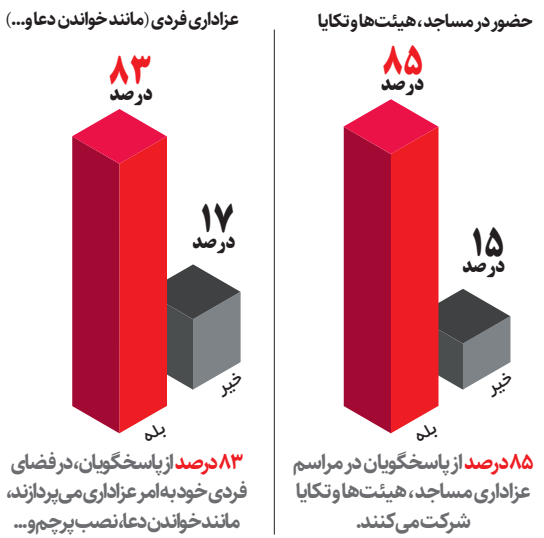
گرافیک: آرش شاه‌سمندی

نتایج نظر سنجی همشهری اعلام شد

حسینیه ایران

بی‌اعتنایی مردم نسبت به فرخوان‌های ضد محرمی

در فضای رسانه‌های کشور، مدت‌هاست که این موضوع محل توجه و گفت‌وگوست که وضعیت دینداری ایران پس از انقلاب به چه سمت و سویی رفته است. آیا سطح دینداری ارتقا پیدا کرده یا رو به افول نهاده است. براساس همین موضوع و دغدغه، مرکز پژوهش‌های همشهری، با توجه به اهمیت ماه محرم و برپایی مجلس عزاداری امام حسین(ع)، نظرات مردم را درباره عزاداری در این ماه جویا شده است. این پژوهش به بررسی میزان و شیوه‌های مشارکت شهروندان تهرانی در عزاداری محرم پرداخته است.



۸۵ درصد از شهروندان تهرانی (زیاد و تاحدی) معتقدند که عزاداری‌های محرم بین مردم رواج دارد.

۷۸ درصد از شهروندان تهرانی (زیاد و تاحدی) عزاداری‌های محرم را در معنوی‌تر شدن جامعه مؤثر می‌دانند.

۸۸ درصد از پاسخگویان (زیاد و تاحدی) معتقدند باید فرزندان را با امام حسین و فرهنگ عاشورا آشنا کرد.

آیا در محرم (تاسوعا - عاشورا) مشکی می‌پوشید؟

۸۳ درصد از پاسخگویان در ماه محرم به‌ویژه تاسوعا و عاشورا مشکی می‌پوشند.

۷۱ درصد از زنان بیشتر از مردان اعلام کردند که در محرم لباس مشکی می‌پوشند.

۸۸ درصد در مقابل ۷۸ درصد.

۱۷ درصد

خیر

۸۳ درصد

بله



دیدگاه

حجت الاسلام سید مصطفی میرلوحی؛ استاد حوزه و دانشگاه

تبلیغ، نخستین تکلیف ماست

همه ما در تبیین و روایت واقعه عاشورا رسالتی بر عهده داریم اما رسانه‌ها در این راه باید چطور عمل کنند؟ در پاسخ به این سؤال به ۵ هزار اشاره می‌کنم:



۱ بزرگ‌ترین وظیفه، رسالت و تکلیف انبیا و اولیا از آدم تا خاتم الانبیا(ص) و امیرالمومنین تا خاتم الاوصیا(ع) تبلیغ و ابلاغ و جهاد تبیین است. خود عاشورا یکی از بزرگ‌ترین تبلیغ‌های ولایت و جهاد‌های تبیین غدیر و معرفی ولایت الهی امیرالمومنین(ع) است و جبهه دشمن مقابل امام حسین(ع) هم بزرگ‌ترین دشمن ضدعلی و دشمن ولی و شعار اصلی آنها هم در کربلا مقابل امام حسین(ع) «بغض لابیگ» بود.

عاشورا رسانه فدایی غدیر بود و قافله اسرای آل‌الله و نوامیس آل‌رسول(ص) در سفر اسارت به کوفه و شام در حقیقت رسانه جهاد تبیین عاشورا بودند و بزرگ‌ترین رسانه عاشورایی عالم هم خطبه‌های دختر فاطمه الزهرا، زینب کبریا(ص) و زین العابدین(ع) بود.

همنطور که خود غدیر و اجتماع عظیم ۱۰۰ هزار نفری بیعت با ولایت امیرالمومنین(ع) در غدیر، بزرگ مبلغ و رسانه تبیینی بعثت خاتم الانبیا(ص) بود، غدیر، رسانه مبعث بود. خود مبعث شریف ختمی مرتبت هم بزرگ رسانه معرفی توحید و ربوبیت حق تعالی بود.

یعنی ما هر چه از تولید و معرفت‌الله فرا گرفته‌ایم از آل رسول(ص) بوده است. به قول زیارت جامعه کبیره «بکم فتح‌الله و بکم یختم» همه چیز من جمله معرفت با شما اهل بیت(ع) شروع و تمام می‌شود. خدا همه عوالم را با شما شروع و با شما تمام کرد. «بموالاتکم علمنا الله معالم دیننا و اصلح ما کان فسد من دنیانا» هر چه داریم از معالم دین، فهم توحید، معرفت الهی همه از برکت موالات و ولایت شماست. هر جای دنیا و دینمان درست بوده به برکت شما بوده و هر جا از شما دور شدیم فاسد شده. باز تعبیر دیگر در زیارت جامعه کبیره «هَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَذًا يَكُمُ وَمَنْ وَحَدَهُ قَبْلَ غَنَكُمْ» هر کسی دنبال خدا بگردد، هر کس اهل توحید باشد و چیزی از توحید یاد گرفته باشد از شما یاد گرفته است. پس نتیجه می‌گیریم توحید و معرفت ما مدیون رسانه مبعث و مبعث ما مدیون رسانه غدیر و غدیر ما مدیون رسانه عاشورا و عاشورای حسینی ما مدیون خطبه‌های زینبی و سجادی و... این سلسله علت و معلول‌ها ختم می‌شود به آخرین حجت‌الله و آخرین بقیه‌الله، مهدی آل محمد (عج).

۵ در این تنها مسیر، ما اهل رسانه (منبر و خطابه و وعظ و مسجد و حسینیه و هیئت و شاعر و روضه‌خوان و مداح گرفته تا انواع رسانه‌های نوین و فراترین مثل روزنامه‌ها، فضای مجازی و صدا و سیما و رسانه‌های جدیدی که در راهند و هنوز آنها را نمی‌شناسیم) باید ببینیم در این میدان وسیع، مرکز عالم برای ما کجاست؟

به تعبیر مقام معظم رهبری در دیداری با مبلغان جهادی فرمودند هر جا هستی، کار خودتان و تکلیف خودتان را مرکز عالم بدانید و هم و غمتان آن باشد. باید ببینیم «کار ویژه» ما چیست؟ به تعبیر دیگر هنر ما در این ابلاغ و جهاد تبیین و تبلیغ چیست و نقش حقیقی ما در این میدان تبلیغی کدام است؟ چون به فرموده امیرالمومنین «ارزش هر کسی به هنرش است». یکی هنر حاج قاسمی دارد، یکی هنر شهید حججی دارد و... هر کسی هنری دارد.

تکلیف را مقام معظم رهبری که اخیرا در آستانه محرم الحرام حسینی ۱۴۴۵ حسینی امام خمینی(ره) با جمعی از مبلغان و مسئولان حوزه‌ها و مجامع دینی و فرهنگی خدمتشان رسیدیم، معلوم کردند و در یک بیان کم‌سابقه‌ای فرمودند: «اولین تکلیف، تبلیغ است» که باید به این اولویت‌دهی کم‌توجهی نکنیم.

ویژه‌های امروز

در شب و غروب عاشورا هیئت کجا برویم؟ شب غربت

با تمام شدن دهه اول محرم، مراسم عزاداری بسیاری از هیئت‌ها نیز تمام می‌شود اما تعدادی از هیئت‌ها تا شب شام غربان و برخی تا روز سوم شهادت امام حسین(ع) و یاران شهیدش برنامه عزاداری دارند. برخی از هیئت‌ها امشب مصادف با شب شام غربان، آخرین شبی است که برنامه عزاداری و شام غربان دارند که می‌توانید مهمان‌شان باشید.

۸

ماندگاری ردپای عاشورا در هنر و ادبیات آیینی روایت صادقانه و شجاعانه

ردپای حماسه عاشورا بر همه شاخه‌های هنری قابل مشاهده بوده و در دنیای ادبیات و هنر، دستاوردهای ارزشمندی در دسته آثار عاشورایی در سالیان گذشته توسط هنرمندان ایرانی به‌دست آمده است. پژوهشگران و هنرمندان آیینی معتقدند آثار عاشورایی از قوی‌ترین آثار حوزه‌های مختلف هستند و عشق به سالار شهیدان، درخت پر بار هنر و ادبیات عاشورایی را سبز نگه‌داشته است.

۷

هر روز همشهری شما هستیم

هلمشهری

جمعه تعطیل نیست



6 260641 200359 >



6 260641 200014 >

عباس بن علی

معروف به ابوالفضل، جلوه ایثار و جوانمردی و تجسم شجاعت و کرامت است. او برادر امام حسین (ع) و فرمانده و پرچمدار سپاه ایشان در روز عاشورا بود که جان خود را فدای امام زمان خویش کرد. مقام حضرت عباس به گونه‌ای است که امامان معصوم (ع) بر فدائاری آن بزرگوار تأکید فرموده‌اند.

عبدالله بن علی

فرزند امیر المومنین (ع) و حضرت ام‌البینین بود عبدالله بن علی هنگام شهادت ۲۵ سال داشت. قاتل او هانی بن ثابت حضرمی بود. نام گرامی این شهید در زیارت ناحیه مقدسه و زیارت رجبه آمده است.

عثمان بن علی

از فرزندان امام علی (ع) و حضرت ام‌البینین است که پس از برادرش عبدالله متولد شد و هنگام تولدش، امیر المومنین فرمود: به یاد برادرم، «عثمان بن مقلعون» او را «عثمان» نامیدم.

جعفر بن علی بن ابی طالب

فرزند امام علی (ع) و حضرت ام‌البینین است. به روایتی بعد از رجز خوانی جعفر، تبری به وسیله خولی اصبحی پرتاب شد و به پیشانی یا چشم ایشان اصابت کرد و به روایت دیگر هانی بن ثابت حضرمی او را به شهادت رساند؛ بنابراین شاید زنده تیر، خولی، ولی جداکننده سرش هانی بوده است.

ابوبکر بن علی

از فرزندان امیر المومنین علی (ع) است که تاش محمد اصغر یا عبدالله و مادرش لیلی دختر مسعود بن حنظله بن زید مناه بنی تمیم بود.

علی بن حسین

مشهور به «علی اکبر»، فرزند بزرگ حضرت سیدالشهدا (ع) است که در روز عاشورا در کربلا به شهادت رسید. هنگام دفن شهدای کربلا، پیکر مطهر حضرت علی اکبر در پایین پای پدر بزرگوارش مدفون شد. برای همین مرقه مطهر امام حسین (ع) «شش گوشه» است.

عبدالله بن حسین

مشهور به «علی اصغر»، فرزند شیرخوار امام حسین (ع) بود که در واقعه کربلا به شهادت رسید. مادرش علی اصغر را هم «باب الحوائج» می‌دانیم و به او متوسل می‌شویم. در زیارت ناحیه مقدسه با عبارت «السلام علی الرقیع الصغير» به او سلام داده شده است. نام مادر حضرت علی اصغر، در اکثر منابع، رباب دختر امرئ القیس است.

قاسم بن الحسن

فرزند امام حسن (ع) است که به هنگام شهادت ۱۲ سال داشت. در شب عاشورا وقتی حضرت قاسم از امام حسین (ع) سؤال کرد که او هم از شهدا خواهد بود یا خیر؟ امام نظر او را درباره مرگ پرسید و قاسم بن الحسن جمله معروف «حلی من العسل» (شیرین تر از عسل) را برای توصیف شهادت در نظر خود بر زبان آورد.

عبدالله بن الحسن

فرزند امام حسن مجتبی (ع) است. در زیارت منسوب به ناحیه مقدسه، بر این شهید بزرگوار درود و تهنیت و بر قاتلش لعن و نفرین فرستاده شده است. عبدالله پس از شهادت عون بن عبدالله جعفر، عازم میدان شد به وسیله هانسی بن ثابت حضرمی به شهادت رسید.

بربر بن خضیر همدانی

از رزم‌آوران کارآمد واقعه کربلا به شمار می‌آید که سیرنویسان و مقتل نگاران از «بربر بن خضیر» با عنوان‌های گوناگون بربر بن خضیر، بدیر بن خضیر، بربر بن حصین، بربر بن خضیر نیز یاد کرده‌اند. وی از خاندان بنی مشرق از قبیله همدان و ساکن کوفه بوده و در روزگار امامت امام علی (ع) از اصحاب آن حضرت و از بزرگان کوفه به‌شمار می‌رفت.

جابر

بن الحارث السلمانی

نام او را جناده، حباب، حیان و حسان هم گفته‌اند. وی از شخصیت‌های شیعه در کوفه بود که در نهضت مسلم بن عقیل هم مشارکت داشت و پس از شهادت ایشان همراه گروهی به‌سوی امام حسین (ع) حرکت کردند و پیش از رسیدن آن حضرت به کربلا، به او پیوستند. هر چند لشکر حر می‌خواستند مانع پیوستن او به امام حسین (ع) شوند، ولی نتوانستند.

جبله

بن علی الشیبانی

وی در جنگ صفین، در رکاب امیر المومنین (ع) حضور داشت. جبله در قیام مسلم بن عقیل در کوفه همراه او بود. پس از شهادت مسلم، نزد قبیله خود رفت و پنهان شد و آنگاه که امام حسین (ع) به کربلا آمد، خود را به آن حضرت رساند و در رکابش جنگید و در حمله اول روز عاشورا به شهادت رسید. نام او در ضمن نام‌هایی که در زیارت ناحیه مقدسه ذکر شده، آمده است.

جون

بن حوی

غلام سپاه چهره‌ای از اهالی نوبه بود که حضرت علی (ع) او را خریده و به ابودر غفاری بخشیده بود. جون پس از شهادت مولایش ابودر، به مدینه برگشت و ابتدا در خدمت امیر المومنین (ع) قرار گرفت؛ سپس در خدمت امام حسن (ع) و بعد از ایشان در خدمت امام حسین (ع) بود تا اینکه در واقعه عاشورا به شهادت رسید.

حر بن

یزید ریاحی

فرمانده بخشی از سپاه عبدالله بن زیاد در واقعه کربلا بود که به سبب ندامت از اقدام خود و پیوستن به امام حسین (ع)، نزد شیعیان حرمتی خاص دارد. حر تا روز عاشورا در سپاه عمر سعد بود، اما صبح عاشورا وقتی قهید کار جنگ با حسین بن علی (ع) جدی است، از اردوگاه عمر سعد جدا شد و به کاروان امام حسین (ع) و جبهه حق پیوست. حر با اذن امام به میدان رفت.

حنظله

بن اسعد شبامی

یکی از بزرگان شیعه در کوفه و مردی فصیح، شجاع و قاری قرآن بود. شبام، نام طایفه‌ای از همدانیان است. او هنگامی که امام حسین (ع) به کربلا رفت، به سپاهش پیوست و در رکاب آن حضرت به شهادت رسید. نام حنظله بن اسعد شبامی در زیارت ناحیه مقدسه آمده است. حنظله جزو شهدایی است که تا اواخر جنگ زنده بود.

حلاس

بن عمرو راسبی

در زمان امام علی (ع) در کوفه رئیس مأموران انتظامی این شهر بود. نام او به‌صورت «حلاس» و «حلاش» هم آمده است. حلاس و برادرش نعمان، به همراه عمر بن کربلا آمدند، اما بعد از اینکه عمر سعد پیشنهادهای امام حسین (ع) را رد کرد و آماده کارزار با آن حضرت شد، شبانه به اردوگاه امام (ع) پیوستند. حلاس بن عمرو در حمله اول به شهادت رسید.

زاهر

بن عمرو الکندی

از دوستان و یاران عمرو بن حُمق خزاعی است. در برخی منابع آمده که وی همان زاهر (بن عمرو یاسود) اشلمی است که در بیعت شجره و جنگ خیبر حضور داشت و فرزندش «جزاره» به واسطه او از رسول خدا (ص) نقل روایت کرده است. زاهر در سال شصتم هجری در موسم حج به محضر امام حسین (ع) شرفیاب شد و همراه آن حضرت به کربلا آمد و روز عاشورا، در حمله نخست افتخار شهادت یافت.

عمران

بن کعب بن حارثه الاشجعی

از اصحاب امام حسین (ع) است و نام او و پدرش را به اختلاف عمرو بن کعب، عَمَرُ بن ابی کعب و عمران بن کعب و عمران بن ابی کعب نقل کرده‌اند. عمران بن کعب از شهدای کربلاست که در حمله اول به درجه شهادت رسید. شیخ طوسی او را در زمره یاران امام حسین (ع) شمرده است.

بازخوانی نام و سیره شهدای کربلا

در دلم افتاده هفتاد و دو نور

نهضت عاشورا بخشی از راز ماندگاری خود را مديون شهیدان کربلاست

علی الله سلیمی، روزنامه‌نگار

نهضت عظیم عاشورا بخشی از راز ماندگاری خود را مديون شهیدان کربلاست که در رکاب سید و سالار شهیدان، اباعبدالله الحسین (ع)

تا پای جان ایستادند و در یک نبرد نابرابر با سپاه عمر بن سعد

جنگیدند و به شهادت رسیدند تا واقعه عاشورا ۱۶ هجری قمری

به عنوان سندی از مظلومیت شهیدان کربلا برای همیشه در تاریخ ثبت شود.

شهیدان کربلا معمولاً به ۲ گروه بنی‌هاشم (وابستگان امام حسین (ع)) و یارانش

(به جز بنی‌هاشم) تقسیم می‌شوند. تعداد شهدای کربلا بنا بر مشهور ۷۲ تن و با

شمارش دقیق بیش از این تعداد است. البته تعداد دقیق شهدای کربلا مشخص نیست،

اما آنچه درباره تعداد شهدای کربلا مبرهن است ۷۲ تن ذکر شده است. شاید منشأ این

شهرت، گفتار شیخ مفید در الارشاد باشد که تعداد سرهای جدا شده شهدای کربلا را (به

جز سر امام حسین (ع)) ۷۲ سر دانسته که به دستور عمر بن سعد به کاخ ابن زیاد

فرستاده شد. احتمالاً در طول زمان تعداد سرهای شهدا به عنوان تعداد شهدای

کربلا مشهور شده باشد و کسانی که سرهایشان بر بدنشان مانده است در سخن از

تعداد شهدای کربلا به حساب نیامده‌اند. با این حال، آشنایی با نام و مشخصات

۷۲ تن از شهدای کربلا در سالروز واقعه عاشورا فرصتی برای تأمل و

تعمق در سیره این شهیدان است که از آنان در تاریخ

همواره به عنوان یاران وفادار امام حسین (ع) در

واقعه عاشورا یاد می‌شود.

نعیم

بن عجلان الانصاری

او از طایفه خزرج بود و ۲ برادرش از یاران امام علی (ع) و مدافعان آن حضرت در صفین بودند. او از کوفه همراه نیروهای عمر سعد به کربلا آمد، ولی شبانه به یاران امام حسین (ع) پیوست. بر اساس اسناد تاریخی نعیم در روز عاشورا در حمله نخست شهید شد. نام او در زیارت ناحیه مقدسه و زیارت رجبه آمده است.

مجمع

بن عبدالله العائذی

به گفته برخی، تابعی و از یاران حضرت امام علی (ع) بود که در جنگ صفین شرکت داشت. وی همراه فرزندش عائذ و عمر بن خالد و جناده بن حارث و غلام عمر بن خالد از کوفه برای یاری امام حسین (ع) بیرون آمدند و در غزیه الهمجانات به آن حضرت پیوستند. روز عاشورا در آغاز جنگ، وی همراه ۳ تن دیگر، شجاعانه جنگیدند و در یک نبرد سخت هر ۴ تن به شهادت رسیدند.

اسعد

بن عبدالله

«سعد بن عبدالله غلام عمرو بن خالد اسدی صیداوی» به همراه مولای خودش و گروهی دیگر، به یاران امام حسین (ع) ملحق شد. هنگامی که امام پیوستند که بعد از دیدار با حر بن یزید ریاحی که پیش از رسیدنشان به کربلا انجام گرفته بود، دچار رنج و اندوهی شده بود. حر تصمیم گرفته بود که از ملحق شدن آنها به کاروان امام حسین (ع) مانع کند، ولی نتوانست.

عبدالله

بن عمیر بن جناب الکلبی

جزو نخستین شهداست، وی که کنیه‌اش ابووهب بود، جوانی دلاور و حماسی از شیعیان کوفه به‌شمار می‌رفت. عبدالله به کوفه آمده، در نزدیکی بئر العید خانه‌ای گرفت و با همسرش به آنجا منتقل شد. در آستانه واقعه کربلا آن دو شبانه از کوفه بیرون رفتند و شب هشتم محرم به کاروان حسین (ع) در کربلا پیوستند.

حبیب

بن مظاہر اسدی

او و چند نفر دیگر از شیعیان نخستین نامه را پس از مرگ معاویه به امام حسین (ع) نداشتند و آن حضرت را به کوفه دعوت کردند. پس از شهادت مسلم بن عقیل و بیعت‌شکنی مردم کوفه، حبیب همراه مسلم بن عوسجه مخفیانه از کوفه خارج شدند و خود را در کربلا به امام حسین (ع) رساندند. حبیب بن مظاہر در روز عاشورا، مبارزه جانانه‌ای کرد.

جعفر

بن عقیل بن ابی طالب

سن وی را هنگام شهادت ۲۳ سال گزارش کرده‌اند. مولف الفتوح، آورده که پس از عبدالله بن مسلم، جعفر بن عقیل بن ابی‌طالب، به میدان نبرد آمد. این شهر آشوب نیز در مناقب، آورده که جعفر بن عقیل به میدان آمد، آنگاه، آنفر و بنا بر قولی، ۱۵ نفر جنگجو- از لشکر عمر سعد- را کشت. سپس بشر بن سوط همدانی او را کشت.

عمرو

بن قرظہ انصاری

پدرش از اصحاب پیامبر (ص) و امام علی (ع) و برادر عمرو، در روز عاشورا در سپاه عمر سعد بود. چند روز قبل از عاشورا، امام حسین (ع) توسط عمرو بن قرظہ به عمر سعد پیام داد تا شبانه با یکدیگر دیدار کنند. در کتاب لیهوف آمده که عمرو در روز عاشورا از امام حسین (ع) اجازه جنگ گرفت و به میدان رفت و به شهادت رسید.

نافع

بن هلال

دلاور، قاری قرآن، کاتب و از حاملان حدیث و از اصحاب امیر المومنین (ع) بود. وی پیش از شهادت مسلم بن عقیل، مخفیانه از کوفه بیرون رفت و به استقبال امام شتافت. سپس همراه امام حسین (ع) به کربلا رفت. وی در کربلا همراه عباس (ع) در آوردن آب به خیمه‌ها مشارکت داشت. کوفیان او را محاصره و زنده دستگیر کردند. شمر او را گرفته نزد عمر سعد برد.

مسلم

بن عوسجه

نخستین شهید عاشورا در میان یاران امام حسین (ع) است. وی مردی شبنزنده‌دار و اهل عبادت بود که در مسجد کوفه در کنار ستونی همواره به عبادت می‌پرداخت. در روز عاشورا، عمرو بن حجاج از فرماندهان جناح راست لشکر دشمن، به سپاه امام حمله کرد و سپاهیان حق و باطل ساعتی با هم در گیر شدند. او پس از نبردی شجاعانه سرانجام به شهادت رسید.

قیس

بن مسهر صیداوی

وی باها از کوفه برای امام پیام برد و پیام امام را برای کوفیان، باز آورد. تا اینکه در آخرین ماموریت خود، توسط خُصین بن تمیم (نمیز)، دستگیر و به دستور ابن زیاد به شهادت رسید. نام قیس در «زیارت رجبه» و «زیارت ناحیه» - که زیارت‌نامه‌های امام حسین (ع) و شهدای کربلا هستند - چنین آمده است: السلام علی قیس بن مسهر صیداوی!

جعفر

بن عقیل بن ابی طالب

سن وی را هنگام شهادت ۲۳ سال گزارش کرده‌اند. مولف الفتوح، آورده که پس از عبدالله بن مسلم، جعفر بن عقیل بن ابی‌طالب، به میدان نبرد آمد. این شهر آشوب نیز در مناقب، آورده که جعفر بن عقیل به میدان آمد، آنگاه، آنفر و بنا بر قولی، ۱۵ نفر جنگجو- از لشکر عمر سعد- را کشت. سپس بشر بن سوط همدانی او را کشت.



یکی از فرزندان امام حسن (ع) و یکی دیگر از شهداست. مادر او ام ولد بود. ابوبکر از مدینه به کربلا رفت و روز عاشورا پس از شهادت قاسم بن حسن، خدمت سیدالشهدا رسید و اجازه میدان طلبید و به میدان رفت و پس از نبردی دلاورانه به شهادت رسید. سن او را هنگام شهادت ۲۵ سال گفته‌اند.

عون بن عبدالله

پسر عبدالله جعفر بن طیار و مادرش زینب کبری (س)، دختر امیرالمؤمنین (ع) بود و در زیارت ناحیه مقدسه، از او یاد شده است. عون بعد از شهادت برادرش محمد، عازم میدان جهاد شد و پس از رشادت‌های چشمگیر عون و به هلاکت رسانیدن ۲۱ نفر از دشمن، شخصی به نام «عبدالله قطبه الطائی» با شمشیر به او حمله کرد که با ضربه او، عون به شهادت رسید.

محمد بن عبدالله

پسر عبدالله بن جعفر است. بر پایه گزارش منابع معتبر، مادر او خواصا، دختر خضفه بن تقیف بن ربیع است. در مناقب ابن شهر آشوب نوشته شده: محمد بن عبدالله بن جعفر وقتی به میدان با ۱۰ تن را کشت و عامر بن نهشل تمیمی، او را به شهادت رساند.

عبدالرحمان بن عقیل

فرزند عقیل بن ابی طالب و داماد امام علی (ع) بود و همسرش خدیجه نام داشت. او در واقعه کربلا در کنار پسر عمویش امام حسین (ع) جنگید تا به شهادت رسید. امام حسین (ع) به زمین افتاد و دشمن به خیمه‌ها حمله‌ور شد، محمد بن ابی سعید از خیمه بیرون آمد که به دست لقیظ بن ایاس (یا یاسر) چپنی به شهادت رسید.

محمد بن ابی سعید بن عقیل

بنا به نقل ابصار العین ۵ نفر از شهدای کربلا به سنن بلوغ نرسیده بودند، یکی از آنان محمد بن ابی سعید بن عقیل بود که ۷ سال داشت. به نقل مر حوم ماقانی وقتی امام حسین (ع) به زمین افتاد و دشمن به خیمه‌ها حمله‌ور شد، محمد بن ابی سعید از خیمه بیرون آمد که به دست لقیظ بن ایاس (یا یاسر) چپنی به شهادت رسید.

عبدالله بن مسلم بن عقیل

فرزند مسلم بن عقیل و مادرش رقیبه دختر امیرالمؤمنین امام علی (ع) بود. سن او هنگام شهادت، ۲۶ سال گزارش شده است. بر خسی وی را نخستین شهید خاندان پیامبر (ص) دانسته‌اند و بر پایه گزارش شماری از منابع دینی به جسامنده، وی پس از علی اکبر (ع) به شهادت رسیده است.

عمرو بن عبدالله رهمدانی صانعی

معروف به «ابو ثمامه صانعی» یا «صیدای» از بزرگان شیعه و از یاران امام علی (ع) و فرزندان آن حضرت است. او با نافع بن هلال، مخفیانه از کوفه بیرون رفت و در راه مکه به کربلا، به امام حسین (ع) پیوست و همراه آن حضرت، به کربلا رفت. ابو ثمامه پس از مالک بن دودان با سیدالشهدا (ع) خدا حافظی کرد و به میدان جنگ تاخت.

انس بن حرث کاهلی

اصحاب پیامبر (ص) و از بر جستان شیعه و از شیوخ بزرگ کوفه بود. کاهلی منسوب به بنی کاهل، تیره‌ای از قبیله بنی اسد بن خزیمه از اعراب عدنانی شمال ششبه جزیره است. برخی پیوستن انس بن حارث به امام حسین (ع) را در مکه دانسته و برخی دیگر در کربلا و شبانه می‌دانند. او در واقعه عاشورا پس از کشتن ۸ نفر به شهادت رسید.

عبدالله بن عقیل بن ابی طالب

ملقب به عبدالله اکبر از شهدای بنی‌هاشم در واقعه کربلاست. مادرش ام‌البنین بوده است. عبدالله بن عقیل در روز عاشورا در رکاب امام حسین (ع) به شهادت رسید. در منابع مختلف نام او به عنوان یکی از شهدای واقعه کربلا ذکر شده است.

مسلم

فرزند عقیل بن ابی طالب پسر عموی امام حسین (ع) و نماینده اعزامی آن حضرت از مکه به کوفه برای بررسی اوضاع و بیعت گرفتن از مردم بود. او به علت خیانت کوفیان در کوفه بی‌یاور ماند و عاقبت به جنگ عبدالله بن زیاد لعن‌الله گرفتار شد و به شهادت رسید. مسلم، فرزند عقیل بود و عقیل نیز فرزند بزرگ ابوطالب است. با این حساب، مسلم بن عقیل، برادرزاده علی بن ابی‌طالب (ع) و پسر عموی سیدالشهدا (ع) است.

مالک

«مالک بن عبدالله بن سریع» و «پسر عمویش سیف بن حارث بن سریع»، در کربلا به حسین بن علی (ع) پیوستند و عصر عاشورا، در لحظاتی که سپاه کوفه به خیمه‌گاه امام حسین (ع) نزدیک شده بودند، اجازه میدان گرفته، جنگیدند و شهید شدند.

کنانه

پیرمردی بود که در حمله نخست به شهادت رسید. وی از قهرمانان کوفه و از عابدان و قاریان آن شهر بود و در ایامی که سیدالشهدا (ع) به کربلا رسید، خود را به آن حضرت رساند و در روز عاشورا به گفته برخی در فاصله میان حمله نخست تا ظهر جنگید و شهید شد و برخی دیگر گفته‌اند در همان حمله نخست به درجه شهادت نایل آمد. نامش در زیارت ناحیه مقدسه هم آمده است.

سالم

غلام عامر بن مسلم عیدی و از شیعیان اهل بصره و از تابعین مورد اطمینان بود. نام کامل او سالم بن ابوالجعد است. نامش در زیارت ناحیه مقدسه آمده است. سالم به همراه مولای خود عامر بن مسلم عیدی و یزید بن ثبیط عیدی که از اهالی بصره بودند، در منزلگاه ابطح در نزدیکی مکه به امام حسین (ع) پیوستند. او در کربلا به شهادت رسید و نامش در زیارت‌الشهدا آمده است.

عبدالله بن عروه الخفاری

او و برادرش عبدالله که هر دو در کربلا شهید شدند، از اشراف و شجاعان کوفه بودند و به خندان پیامبر (ص) عشق می‌ورزیدند. این دو برادر با هم از کوفه به کربلا رفتند. هر دو با هم روز عاشورا از سیدالشهدا بن پیکار گرفتند. در رفتن به میدان نبرد، از هم سبقت می‌جستند. هنگام جنگ، هر کدام یک مصرع از رجز را می‌خواند و نفر دیگر، مصرع خود شعر را تمام می‌کرد. این دو برادر با هم به شهادت رسیدند.

عبدالله بن عروه الخفاری

او و برادرش عبدالله که هر دو در کربلا شهید شدند، از اشراف و شجاعان کوفه بودند و به خندان پیامبر (ص) عشق می‌ورزیدند. این دو برادر با هم از کوفه به کربلا رفتند. هر دو با هم روز عاشورا از سیدالشهدا بن پیکار گرفتند. در رفتن به میدان نبرد، از هم سبقت می‌جستند. هنگام جنگ، هر کدام یک مصرع از رجز را می‌خواند و نفر دیگر، مصرع خود شعر را تمام می‌کرد. این دو برادر با هم به شهادت رسیدند.

مسعود

او و پسرش (عبدالرحمان بن حجاج) در حمله اول به شهادت رسیدند. برخی گفته‌اند او همراه فرزند خود عبدالرحمن و در زمهره یاران ابن‌سعد از کوفه به کربلا آمد، ولی در روز هفتم و پیش از آغاز جنگ خود را به امام حسین (ع) رساند، سلام کرد و در صف یاران آن حضرت قرار گرفت. او جنگجوی شجاع و نام‌آور بود و در نخستین حمله دشمن به شهادت رسید. نامش در زیارت ناحیه مقدسه هم آمده است.

وهب

به گفته برخی از مورخان، وهب و همسر و مادرش نصرانی بودند و در راه کربلا در تبلیغ به‌دست امام حسین (ع) مسلمان شدند. وهب در روز عاشورا ۲۵ سال داشت. در این زمان از دامادی‌اش ۱۷ روز می‌گذشت. وی پس از بربر یا عمرو بن مطاع به میدان رفت. وی در میدان نبرد، شماری از سپاهیان دشمن را کشت و به شهادت رسید.

بشیر (بشر) بن غرو

به همراه پسرش محمد در کربلا به امام حسین (ع) پیوست. در روز عاشورا به او خبر رسید که پسر دیگرش در مرز ری اسیر شده است. امام حسین (ع) ضمن برداشتن بیعت خود از بشیر خواست تا برای رهایی پسرش برود، ولی او با توجه به تعداد اندک یاران امام، این پیشنهاد را نپذیرفت.

سیف

«سیف بن الحارث بن سریع الجابری» از شهدای جوان کربلاست. وی و پسر عمویش مالک بن عبدالله از کوفه آمده و در کربلا به امام حسین (ع) پیوستند. روز عاشورا، پس از شهادت حنظله بن قیس، هنگامی که دشمن به خیمه‌گاه امام حسین (ع) نزدیک شده بود، گریان خدمت امام رفتند و اذن میدان طلبیدند.

منج

غلام امام سجاده (ع) بود که مادر منج، کنیزی بود که امام حسین (ع) از نوفل بن حارث بن عبدالمطلب خرید. او با غلامی به نام سهم ازدواج کرد و منج به دنیا آمد. امام حسین (ع) او را به خدمت امام سجاده (ع) در آورد. چون سفر کربلا پیش آمد، این مادر و فرزند از مدینه همراه امام حسین (ع) به کربلا آمدند. منج روز عاشورا پس از نبردی دلیرانه به شهادت رسید.

کردوس بن زهیر

به کردوس بن ظهیر تعلقی یا کرش بن ظهیر یا کرش بن زهیر هم یاد شده است. کردوس فرزند زهیر از یاران امام علی، امام حسن و امام حسین (ع) به شمار می‌آید. آن‌گاه که امام حسین (ع) به کربلا آمد، کردوس و برادرانش شبانگاه از کوفه بیرون رفتند و به کاروان آن حضرت پیوستند و روز عاشورا در حمله نخست به شهادت رسید.

نعمان

وی اهل کوفه و از اصحاب امیرالمؤمنین (ع) بود. او و برادرش حلاس از نیروهای انتظامی حضرت امام علی (ع) در کوفه بودند. نعمان پس از شهادت مسلم بن عقیل (ع) و حاکم شدن جو خفان بر کوفه، همراه پسر عمویش، در شمار لشکریان ابن‌سعد قرار گرفتند تا از شهر خارج شدند و در شب هشتم محرم به امام حسین (ع) پیوستند و سرنجام به شهادت رسیدند.

عائس

به قولی همان «عائس بن شیب» است. عائس، از رجال برجسته شیعه و مردی دلیر، سخنور، کوشا، تالاشگر و شب زنده‌دار از طایفه بنی‌شاکر بود. دلاوری‌های عائس بن ابی شیبب الشاکری در کربلا مشهور است. وی همراه هم‌پیمان خود «شوذب» در حماسه عاشورا به نبرد پرداخت و شهید شد.

شیب

یکی دیگر از شهدای کربلاست. وقتی «سیف» پسر «حرث» و «مالک» پسر «عبدالله» به امام حسین (ع) ملحق شدند، «شیب» غلام حرث هم آنها را همراهی می‌کرد. او مردی شجاع و جنگاور بود. ابن شهر آشوب گزارش کرده که شیب در حمله نخستین که پیش از ظهر روز عاشورا به وقوع پیوست به شهادت رسید.

حجاج

پس از نامه امام حسین (ع) به اشراف بصره که آنان را به‌سوی خود دعوت کرد، مسعود بن عمرو آزدی (یکی از مخاطبان پنج‌گانه نامه امام حسین (ع))، نامه‌ای در حمایت خود و قبیله‌اش از حسین بن علی نوشت و آن را به حجاج بن زید سپرد. حجاج نامه را به امام حسین (ع) رساند و همراه وی ماند و در روز عاشورا در حمله نخست لشکر عمر بن سعد به شهادت رسید.

عبدالله بن عبدالله

به همراه قیس بن مسهر و عماره بن عبید سلولی، دومین دسته نامه‌های کوفیان را به امام حسین (ع) رساندند. امام حسین (ع) او را همراه مسلم بن عقیل راهی کوفه کرد. عبدالرحمن پس از شهادت مسلم به کاروان امام سوم پیوست و روز عاشورا در حمله نخست به شهادت رسید.

قارب

«قارب» غلام سیدالشهدا (ع) بود. مادرش فکبه کنیز آن حضرت بود و در خانه رباب، همسر امام خدمت می‌کرد. قارب همراه امام از مدینه به کربلا رفت و روز عاشورا در رکاب امام حسین (ع) به شهادت رسید. نامش در زیارت ناحیه مقدسه، به‌صورت «قارب، مولی‌الحسین علیه‌السلام» و در نقل فضیل بن زبیر، «قارب التّلی، مولی‌الحسین (ع)» آمده است.

ضرغامه بن مالک

از شیعیانی بود که در کوفه با مسلم بیعت کرد و پس از شهادت آن بزرگوار به لباس دشمن درآمد و همراه آنان از کوفه خارج شد و در کربلا به امام حسین (ع) پیوست. روز عاشورا در نبردی دلیرانه گروهی را مجروح کرد و جمعی را به هلاکت رساند. سرنجام در نبرد نخست و به قولی پس از نماز ظهر به فیض شهادت نایل شد.

قاسم

بن حبیب الازدی از شیعیان شجاع کوفه بود. ابتدا با سپاه عمر سعد از کوفه بیرون آمد و چون به کربلا رسید، پیش از آغاز جنگ به امام حسین (ع) پیوست. نامش را جزو شهدای حمله اول ذکر کرده‌اند. بر اساس منابع تاریخی قاسم بن حبیب بن ابی‌شر از دی یا قاسم بن بشر در روز عاشورا، در حمله نخست، برابر دیدگان آن حضرت پس از نبردی سخت به شهادت رسید.

سید

«سیف بن مالک عیدی» از جوانان پرشوری بود که در بصره، در خانه بانوی بزرگ «مار» به بنت منقذ عیدی، جمع می‌شدند؛ زیرا خانه او پایگاهی برای شیعه بود. سیف بن مالک از بصره به کوفه آمد و از آن جا به کاروان امام حسین (ع) پیوست، سپس همراه امام به کربلا رفت و عصر عاشورا در نبرد تن به تن به شهادت رسید.

عبدالله

او و برادرش عبدالله، همراه پدرشان یزید بن ثبیط، پس از آنکه اهل بصره نامه کمک‌خواهی سیدالشهدا (ع) را دریافت کردند، از بصره به کمک امام حسین (ع) رفتند تا به رسالت «صرت امام» قیام کنند. آنها به نقلی در حمله اول در روز عاشورا شهید شدند. نام او و برادرش عبدالله در زیارت ناحیه مقدسه آمده است.

یزید بن ثبیط

به نام یزید بن ثبیط، پدر بن رقیه، بدر بن قبط هم ضبط شده است. وی از اصحاب ابوالاسود دوتلی و از اشراف قبیله خود بود. وی همراه آپسرش عبدالله و عبدالله از بصره آمدند و به علت بسته بودن راه‌ها با پیومن بیراه‌ها، در مکه خود را به امام حسین (ع) رسانده، به کاروان او پیوستند. روز عاشورا پسرانش در حمله اول و خودش در مبارزه تن به تن به شهادت رسیدند.

عبدالله بن یزید

همراه برادرش عبدالله و پدرش (یزید بن ثبیط) از بصره به مکه رفتند و به کاروان امام حسین (ع) پیوستند. شهادتشان در حمله اول بود. نام این جمع در زیارت ناحیه مقدسه، همراه با سلام بر این ۳ شهید چنین آمده است: «السلام علی عبدالله و عبدالله، ابنی یزید بن ثبیت القیسی».

عبدالله بن عروه الخفاری

نام «عبدالله بن عروه غفاری» را در شمار شهدای حمله اول در روز عاشورا آورده‌اند. بر اساس منابع تاریخی او و برادرش عبدالرحمن، از شجاعان و اشراف کوفه و صاحبان ولایت اهل‌بیت (ع) بودند و در کربلا خود را به حسین بن علی (ع) رساندند. هر دو با هم به میدان رفتند و جنگیدند و شهید شدند.

زهریر

نام وی را ظهیر هم گفته‌اند. برخی نام پدر وی را مسلم گفته‌اند. زهریر بن سلیم و خاندانش از یاران امام علی (ع) بودند. وی شب دهم محرم، آن‌گاه که احساس کرد لشکریان عمر سعد تصمیم قطعی برای جنگ با امام حسین (ع) دارند به جمع یاران آن حضرت پیوست و به نقل «مناقب ابن شهر آشوب»، روز عاشورا در حمله اول به شهادت رسید.

بن حبیب الازدی

از شیعیان شجاع کوفه بود. ابتدا با سپاه عمر سعد از کوفه بیرون آمد و چون به کربلا رسید، پیش از آغاز جنگ به امام حسین (ع) پیوست. نامش را جزو شهدای حمله اول ذکر کرده‌اند. بر اساس منابع تاریخی قاسم بن حبیب بن ابی‌شر از دی یا قاسم بن بشر در روز عاشورا، در حمله نخست، برابر دیدگان آن حضرت پس از نبردی سخت به شهادت رسید.

بن حبیب الازدی

از شیعیان شجاع کوفه بود. ابتدا با سپاه عمر سعد از کوفه بیرون آمد و چون به کربلا رسید، پیش از آغاز جنگ به امام حسین (ع) پیوست. نامش را جزو شهدای حمله اول ذکر کرده‌اند. بر اساس منابع تاریخی قاسم بن حبیب بن ابی‌شر از دی یا قاسم بن بشر در روز عاشورا، در حمله نخست، برابر دیدگان آن حضرت پس از نبردی سخت به شهادت رسید.

بن حبیب الازدی

از شیعیان شجاع کوفه بود. ابتدا با سپاه عمر سعد از کوفه بیرون آمد و چون به کربلا رسید، پیش از آغاز جنگ به امام حسین (ع) پیوست. نامش را جزو شهدای حمله اول ذکر کرده‌اند. بر اساس منابع تاریخی قاسم بن حبیب بن ابی‌شر از دی یا قاسم بن بشر در روز عاشورا، در حمله نخست، برابر دیدگان آن حضرت پس از نبردی سخت به شهادت رسید.

بن حبیب الازدی

از شیعیان شجاع کوفه بود. ابتدا با سپاه عمر سعد از کوفه بیرون آمد و چون به کربلا رسید، پیش از آغاز جنگ به امام حسین (ع) پیوست. نامش را جزو شهدای حمله اول ذکر کرده‌اند. بر اساس منابع تاریخی قاسم بن حبیب بن ابی‌شر از دی یا قاسم بن بشر در روز عاشورا، در حمله نخست، برابر دیدگان آن حضرت پس از نبردی سخت به شهادت رسید.

بن حبیب الازدی

از شیعیان شجاع کوفه بود. ابتدا با سپاه عمر سعد از کوفه بیرون آمد و چون به کربلا رسید، پیش از آغاز جنگ به امام حسین (ع) پیوست. نامش را جزو شهدای حمله اول ذکر کرده‌اند. بر اساس منابع تاریخی قاسم بن حبیب بن ابی‌شر از دی یا قاسم بن بشر در روز عاشورا، در حمله نخست، برابر دیدگان آن حضرت پس از نبردی سخت به شهادت رسید.

بن حبیب الازدی

از شیعیان شجاع کوفه بود. ابتدا با سپاه عمر سعد از کوفه بیرون آمد و چون به کربلا رسید، پیش از آغاز جنگ به امام حسین (ع) پیوست. نامش را جزو شهدای حمله اول ذکر کرده‌اند. بر اساس منابع تاریخی قاسم بن حبیب بن ابی‌شر از دی یا قاسم بن بشر در روز عاشورا، در حمله نخست، برابر دیدگان آن حضرت پس از نبردی سخت به شهادت رسید.



عاشورای ما همان **جنگ روایت** این روزهاست

اگر زینبی روایت نکنیم...

پنجم. شد آنچه نباید می شد... اما همچنان جنگ روایت ها. خلاصه تقابل رسانه ای ابن زیاد و یزید مقابل اسرا چنین بود: شکست خوردید و این شکست یعنی مغضوب خدایید. خواستند بگویند قتل و مصائب بر حسینیان نشانه باطل بودن و فتوحات ظاهری یزیدیان نشانه حق بودن است. این دست اقدامات برای تان امروزی نیست؟ بماند. اما ما را بیت الا جمیلا مقابل همین دسیسه بود. نفرمود زینبی دیدم. فرمود جز زیبایی ندیدم. یعنی همه این بالاها و مصائب برای ما جز پیروزی نبود و چنان شرح داد که در تاریخ بماند و دست به دست شود تا امروز... آن حسینی را که دشمن کشت پیش چشم دوست/ چشم دشمن کور، اینک عالمی مجنون اوست. سبک روشنگری حضرت زینب و امام سجاد در دو شهر کوفه و شام و در مجالس یزید و ابن زیاد متفاوت بود. در کوفه هشدار دهنده تا از خواب غفلت بیدار شوند و اما در شام آگاهی دهنده تا حجاب خرافات و چهل ها برداشته شود: این نیز مهمترین درس جنگ روایت ها یعنی مخاطب شناسی است.

در هر دو مجلس عده ای می گریستند. اما در کوفه جماعتی کمر به جبران بستند و در مجلس یزید گروهی جدا شدند و مجلس ختم و عزا گرفتند... و اینطور شد که کر بلا در کر بلا می ماند اگر زینب بود.

ششم و در نهایت. و اگر زینبی روایت نکنیم...

در جنگ روایت ها شکست بخوریم باز هم خون ها ریخته می شود. خون عجمیان ها و آرمان ها و رضازاده ها و زینال زاده ها ثمره تسلط موقت روایت دشمن در فضای مجازی بود. برخی مسخ شدند و خون بهترین ها را ریختند.

و اما غلبه دشمن در جنگ روایت ها آنجا شکل می گیرد که اهل خرد و علما و خواص سکوت کنند. ببینند و بگذرند. خطبه منا خاطر تان هست؟ همان. اینجاست که در ماریج سکوت خواص، اوباش بیای می خیزند و تلقی قدرت و تسلط برای جبهه باطل می سازند و دو جماعت جاهل (غرب زده و شامی مسلک) و جماعت وسط باز (حزب الهی سکولار و کوفی صفت) نیز همراهی می کنند. اینجاست که خون ها ریخته می شود. خون بهترین ها. حتی خون انسان کامل. چه بخواهیم و نخواهیم.

لب کلام:

هر کس هر جا هست قیام کند. قیام امروز روایت حق است و منحصر به رسانه ها و منبری ها نیست. جنگ روایت ها، جنگ توده هاست. هر کس هر جا نشسته، بایستد... و اگر نه عاشورا را رقم می خورد.

یکم. هر جا جنگ فیزیکی بوده، پیش از آن جنگ روایت ها شکل گرفته است. آمریکا به عراق حمله کرد؛ به بهانه نابودی

محرور مسئول

محرور مسئول

سلاح کشتار جمعی. به افغانستان حمله کرد به بهانه ۱۱ سپتامبر. صدام به ایران حمله کرد به بهانه نقض یک توافقنامه بین المللی.

بهانه یعنی چی؟ یعنی روایتی از واقعیت که بتواند افکار عمومی را مجاب کند که این هجمه فیزیکی مشروع است. کر بلا نیز همین بود...

دوم. زمانه ای را که کر بلا ساخت مرور کنید...

شهادت امام حسن و نقض صلح نامه و سب امیر المومنین و جلوگیری از تفسیر قرآن و ترویج عقاید دروغین مثل جبر و بدعت های آشکار و نصب منافقین در پست های کلیدی و در انتها تلاش برای بیعت گرفتن از تک تک مسلمانان تا همه زشتی ها را رسمیت ببخشند.

معایه همه ابزارهای جنگ روانی را به کار بست: از تطمیع تا تهدید و تحمیق تا سفیدنمایی خود تا خوارانگاری اهل بیت تا شعارهای دروغین تا شایعه ها و ...

به بخش هایی از ادبیات نامه معاویه توجه کنید که چطور برای تحمیق دیگران به سیدالشهدا می نویسد: «تقوا پیشه کن و با خویشاوندان خود جنگ نکن... از تو انتظار نداشتم چنین کنی... تو داری نقض عهد می کنی... خود را خوار نکن»

خلاصه اقدامات روانی معاویه وارونه نمایی حقایق بود. چنان تصویری از امیر المومنین ساخته بود که مردم از فرزندان نیز کینه گرفتند... تا عاشورا رقم خورد...

سوم. خطبه منا را ببینید...

خطبه سیدالشهدا ۲ سال قبل از عاشورا. حضرت در آنجا در میان ۷۰۰ نفر از صحابه و تابعین سخن گفتند. ۲ بند در این خطبه می درخشد. یکی شناساندن ماهیت انحرافی بنی امیه و دیگر انداز و هشدار به علما و خواص. فرمودند چرا مقابل ظلم ها ساکتید؟ بانی ظلم به ضعف شماست... شما بی که امر به معروف و نهی از منکر نمی کنید...

چهارم. مخاطبان جنگ روانی معاویه را ببینید...

مردم کوفه و شام. اما این دو متفاوت بودند. مردم شام به شدت دنیاگرا و جاهل و بی قید. اما مردم کوفه نه. مردم کوفه ظاهرا اهل دین بودند اما بی طرف. جامعه ای نیم بند که می خواستند نه با باطل باشند و نه حق. به تعبیر امروزی ها مذهبی سکولار و صورتی و عافیت اندیش و محافظه کار.



... هر کس هر جا هست قیام کند. قیام امروز روایت حق است و منحصر به رسانه ها و منبری ها نیست. جنگ روایت ها، جنگ توده هاست. هر کس هر جا نشسته، بایستد... و اگر نه عاشورا را رقم می خورد

پرده ۱

شامیان لباس نو پوشیدند و در دروازه ساعات آوازخوانی و شادی می کردند. کاروان اهل بیت امام حسین ع ۳ روز در این وضعیت معطل ورود مانده بود.

پرده ۲

۷ تالار تودر توی قصر اموی را آراسستند و بار عام دادند. مردم همه آمدند. سفرا و امرا را در تالار آخر بر کرسی های طلا و نقره نشانند.

پرده ۵

یزید مردی را که می خواست دختر امام حسین ع را به کنیزی بگیرد، کشت!

پرده ۷

عزاداری در خانه یزید و دارالاماره آنچنان اثر کرد که شامیان تصمیم گرفتند به خانه یزید بریزند و او را به هلاکت برسانند.

پرده ۸

کجاوه ها آراسته شد و اهل بیت امام ع با احترام و بدرقه مردم سوگوار شام پهسوی مدینه روانه شدند.

پرده ۶

یزید سفیر روم را در مجلس کشت!

یکم

یزیدیان، معانی و مفاهیم اسلامی را در جهت تقویت حکومت، باز تقریر می‌کردند مثلاً بیعت را که در منطلق اسلامی با یک شرایط خاصی، معتبر شمرده شده، طوری در ذهن مردم جا انداختند که نقض بیعت در مقابل خلیفه‌ای مثل یزید، هم گناهی عظیم باشد، این را نیاز داشتند تا هر تحرکی در برابر خلیفه را یا برچسب خارجی(خروج‌کننده بر خلیفه اسلامی) سرکوب کنند و اذهان مردم را هم همراه خود داشته باشند. یکی از خطوط اصلی روشنگری سیدالشهداء و بعد از عاشورا، توسط امام سجاد و حضرت زینب، خط تبیین همین مفاهیم اسلامی بود. روایتی را که مکرر امام حسین از قول پیغمبر اکرم در مسیر تا کربلا می‌خواندند در همین فضا باید تحلیل کرد:

«هَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَارًا مُسْتَحِلًّا لِحَرَمِ اللَّهِ، نَاكِثًا لِعَهْدِ اللَّهِ، مُخَالَفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، يَغْمَلُ فِي عِبَادَتِهِ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ فَلَيْمَ يُعْزِرْ عَلَيْهِ بَغْلًا، وَلَا قَوْلَ، كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَدْخُلَهُ مَدْخَلُهُ» یعنی اگر کسی ببیند حاکمی در جامعه، بر سر کار است که ظلم می‌کند، حرام خدا را حلال می‌شمارد، حلال خدا را حرام می‌شمارد، حکم الهی را کنار می‌زند و با زیان و عمل، علیه او اقدام نکند، خدای متعال در قیامت، این ساکت بی‌تفاوت بی‌عمل را هم به همان سرنوشتی دچار می‌کند که آن ظالم را دچار کرده است؛ یعنی با او در یک صف و در یک جناح قرار می‌گیرد.

دوم

خط رسانه‌ای دیگر دشمن، مخفی کردن درخواست‌ها و دعوت‌های مردم کوفه از امام حسین است، این قدر در این زمینه، قوی عمل کرده‌اند که فردی مثل حر که جزء بزرگان کوفه به حساب می‌آید، در گفت‌وگو با سیدالشهداء از این نامه‌ها ابراز بی‌خبری می‌کند. جالب آن که حضرت برخی از این نامه‌ها را به همراه مهرهای پایش، روز عاشورا به همه نشان داد.

علاوه بر اینکه حضرت در منازل مختلف، به این درخواست کوفیان اشاره کرد. امان از بی‌وفایی مردم کوفه!!



چهارم

ضمیمه خط رسانه‌ای عاشورا اینان در نکته سوم، روایت مظلومیت اهل بیت و یارانش بود، کلیدواژه مظلوم مقتدر که رهبر انقلاب برای امیرالمومنین به کار بردند، به حق برای نهضت و یاران سیدالشهداء صدق می‌کند، در واقع حماسه و مظلومیت، مصیبت و زیبایی، غربت

پیرونده

جنگ رسانه‌ای در کربلا

عاشورا را نباید تنها میدان رزم ظهر دهم محرم دانست. قبل و بعد این هم‌آوردی میدانی حق و باطل، یک جنگ تمام عیار در ساخت و هدایت افکار عمومی در دو طرف می‌بینیم. چند قاب از این جنگ رسانه‌ای را با هم ببینیم:

سوم

بعد از حادثه عاشورا دو خط به موازات هم توسط دشمن دنبال می‌شود: اول ایجاد رعب و وحشت عمومی در میان مردم برای از بین بردن هر گونه تحرکی علیه حکومت، جنایت‌های بی‌رحمانه روز عاشورا و حوادث بعدش همگی در این چارچوب شکل گرفت. در مقابل، چه اصحاب عاشورایی سیدالشهداء و چه کاروان اسرای اهل بیت، مثل کوه ایستادند و ذره‌ای در برابر این قساوت‌های عجیب و غریب به خودشان، ضعف راه ندادند، هیچ گزارشی از کم آوردن ایشان برای تاریخ گزارش نشده است.

در کوفه، عبدالله، علی بن الحسین علیه‌السلام را تهدید به قتل کرد، اینجا اولین بروز جلوه‌آمامت و معنویت و رهبری آشکار شد؛ «یا قَتْلُ تَهْدِدُنِي يَا ابْنَ زَيْدٍ أَمَا عَلِمْتُ أَنَّ الْقَتْلَ لَنَا غَاذَةٌ وَ كَرَامَتُنَا الشَّهَادَةُ» آیا ما را به کشتن تهدید می‌کنی؟! در حالی که ما کرامت‌مان به شهادت است، ما کشته‌شدن در راه خدا را افتخار می‌دانیم از مرگ نمی‌ترسیم. دستگاه عبدالله زیاد در مقابل این صلابت، عقب نشست.

خط رسانه‌ای دوم دشمن بعد از عاشورا، ساخت تصویر یک فاتح از خود و یک شکست‌خورده از جبهه سیدالشهداء است. اینکه کاروان‌اسرا را شهر به شهر چرخاندند، به‌همین خاطر بود، یک مانور قدرتی می‌خواستند به‌دند و واقعا هم به این ذهنیت فراگیر نیاز

و عزت در نهضت امام حسین به یکدیگر دست دادند. همین خط تا به امروز، عزاداری برای سیدالشهداء را به عنوان بزرگ‌ترین رسانه شیعه حفظ کرده است. به جرات زوال‌بنی‌امیه و ظهور جریانات مبارزاتی در دنیای اسلام، علیه‌دار

و دسته یزید، مروهون حرکت امام حسین علیه‌السلام و پیوست رسانه‌ای اسرای کربلا بود، جمعیتی متشکل از دختران و پسران اهل بیت و خانم‌های کاروان سیدالشهداء و یک مرد که مجموعاً صد نفر هم نبودند.

جبهه شام

یزید لعنت فرستاد و یزید دستور به گردن زدنش داد.

عبور از اسلام با جنگ قبیلگی خواندن

سپس یزید خواست جنگ تبلیغی را به سمت دعوای قبیلگی اجدادی ببرد و بازدن پلی به تاریخ، از دایره اسلام عبور کند. با این کار دو هدف داشت: یک، انکار اسلام از اساس و تقلیل نزاع به جنگ قدرت قبیلگی؛ دو، خارج کردن دیگر مسلمانان از این نزاع تا علیه‌اش نشورند.

او سر مست این اشعار را سر داد:
لیت آشیاخی پَیْندَر شهْداو...

کاش بزرگان من در جنگ بدر امروز می‌دیدند که قبیله خزرج چگونه از ضربات نیزه به زاری آمده است. در آن حال از شادی فریاد می‌زدند و می‌گفتند: ای یزید! دستت درد نکند.

منافرای در قالب خطبه

حضرت زینب[ؓ] چون این سخنان یاهو را از یزید شنید، همچون شیري شوزه خروشید. خطبه حضرت زینب[ؓ] در مجلس یزید توانست صحنه را عوض کند. این خطبه تاریخی که مششت یزید را باز کرد، سراسر عقاید حق دین مبین اسلام بود، که تا آن موقع مردم شام بوی آن راهم استشمام نکرده بودند و حالا رنگار وجودشان را صیقل می‌داد.

ایشان چنین فرمود:

تحقیر یزید و نیا کانش!

«یزید! چنین می‌پنداری که چون اطراف زمین و آسمان را بر ما تنگ گرفتی و ما را به دستور تو مانند اسیران از این شهر به آن شهر بردند، ما خوار شدیم و تو عزیز گشتی؟ ای پسر آزاد شدگان!

دعوت مردم به محکمه وجدان

آیا این عدالت است که زنان و دختران و کنیزکان تو در پس پرده عزت بشینند و تو دختران پیامبر[ؐ] را اسیر کنی و پرده حرمت آنان را بپری و آنان را بر پشت شتران از این شهر به آن شهر بدون سرپرست و محرمی بگردانی؟

پاسخ به قبیله‌گرای یزید

می‌گویی کاش پدرانم که در جنگ بدر کشته شدند اینجا بودند و هنگام گفتن این جمله با چوب به دندان پسر پیغمبر[ؐ] می‌زنی؟ ابتدا به خیالت نمی‌رسد که گناهی کرده‌ای و رفتار زشتی مرتکب شده‌ای! بی‌جهت شادی مکن! چون به‌زودی در پیشگاه خدا حاضر خواهی شد، آن وقت است که آرزو می‌کنی کاش کور و لال بودی و این روز را نمی‌دیدی.

توجه به غضب حکومت توسط معاویه

اما آن کسی که تو را چنین به ناحق برگردن مسلمانان سوار کرد یعنی معاویه در محکمه الهی حاضر خواهد شد. روزی که دادخواه، محمد[ؐ]، دادستان خدا

یادداشت

دوران مادوران زینب کبری است،

اگر روایت نکنیم....

ادامه از صفحه اول

جوانی که سکوت می‌کند مقابل حجم احساس ناامیدی و انسداد و نتیجه‌اش زیادشدن بیکاری است به‌دلیل ناامیدی، نتیجه اش عدم‌ازدواج است و رشد فساد ناشی از آن، نتیجه اش عدم‌فرزندآوری است و پیری جمعیت و خطرات تمدنی آن و....

روایت نکنیم، دچار سبک دشمنی شیطان می‌شویم؛ یعنی اغوا و زینت‌دادن خیال، جولانگاه شیطان بستر روایت است دقیق و هنرمندانه. هر یک نفر که به‌دلیل سکوت و کم‌سخنی ما از جبهه حق بیرون رود در واقع در عالم موت و مرگ وارد شده و کشتن یک نفر، کشتن همه انسان‌هاست.

روایت‌نکردن ما باعث شده قوه‌قاهره ما نتواند دفاع از حجاب این مردم کند، با اینکه اکثر قریب به اتفاق این مردم معتقدند به حجاب.

روایت‌نکردن ما باعث شده اقتدار حاکمیت و نظام کم شود و به دیگران سپرده شود.

آری در دوران روایتیم و کشوری که دار و ندارش ایمان مردمش است و مسوولانش باید حتما فهم جدی از رسانه داشته باشند و دائم با مردم سخن بگویند و روایت کنند، کم سخنند.

اصلا فرض کنید حمله بی‌امان دشمن در بستر روایت نبود، قبول داریم که دوران درد و سختی و فشار دشمن است؟ یا نه؟

خوب، وقتی بلا و مصیبت زیاد می‌شود قرآن می‌گوید

اِذَا صَافَتْهُمْ مِصْبِيهٌ قَالُوا اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ

بروید سراغ ایمان تان و نگاه توحیدی‌تان. خوب این یعنی چه؟

وقتی فشار دشمن زیاد می‌شود قرآن می‌گوید

اِذَا مَسَّكُمُ طَآئِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَاِذَا هُم بِمِصْرُونِ.

وقتی فشار دشمن زیاد می‌شود دوران تذکر است، دوران گفتن و تواصی است.

اگر بنا است تولید در کشور در این جنگ اقتصادی کلید و راه‌حل باشد که راهش حضور مردم است، اگر بن‌مایه اقتصاد مقاومتی، تحقق مردمسالاری دینی در ساخت اقتصاد است، اگر مردم مهمند برای عبور از بحران‌ها باید وارد عرصه روایت‌گری شد؛ عرصه تبلیغ همگانی. عرصه جهاد تبیین همگانی.

حق داریم بگوییم امروز «سکوت هر مسلمان خیانت است به قرآن»؛ یا نه؟ حق داریم بگوییم این روال ادامه پیدا کند «اسلام سیلی می‌خورد» یا خیر؟

خیلی‌ها ما چرا را جدی نگرفته‌اند، دورانی است که مدافع حرم بودن نیاز به اقتدای جدی‌تری دارد به زینب کبری [ؓ]. خیلی وقت است که دوران زینب کبری [ؓ] است.

فیلم‌کده

روایت عاشورا در قاب سینما و تلویزیون

در سال‌های اخیر کارگردان‌ها و هنرمندان بسیاری به این مهم‌ترین واقعه زندگی شیعیان پرداخته و آن را در قالب فیلم، سریال، انیمیشن، نمایش و... به تصویر کشیده‌اند. در ادامه برخی از آثاری که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم واقعه عاشورا را دستمایه قرار داده‌اند، مرور می‌کنیم.



فیلم سینمایی

رستاخیز

نویسنده احمدرضا درویش

کارگردان احمدرضا درویش

ژانر درام تاریخی

بازیگران آرش صفی، پوری پورسرخ، حسن پورشیری، فرهاد قائمیان، بابک حمیدیان و...

سال اکران ۱۳۹۴

سال اکران آنلاین ۱۴۰۰

معرفی این فیلم از زاویه نگاه بکیر(فرزند حر ابن یزید ریاحی) واقعه کربلا را روایت می‌کند. او اینستا همراه یزید است، اما به واسطه مأموریتی که دارد با رفتار و منش امام حسین (ع) آشنا می‌شود و در صف یاران او قرار می‌گیرد. فیلم از این منظر به قیام امام حسین (ع) و متن حوادث واقعه عاشورا می‌پردازد.



فیلم سینمایی

روز واقعه

نویسنده بهرام بیضایی

کارگردان شهرام اسدی

ژانر درام تاریخی

بازیگران عزت‌الله انتظامی، جمشید مشایخی، محمدعلی کشاورز، مهدی فتحی، عنایت بخشی، حمیده خیرآبادی، ژاله علو و...

سال اکران ۱۳۳۴

معرفی فیلم محول زندگی عبدالله، جوان نصرانی تازه مسلمان شده‌ای است که پس از ده‌ها بار خواستگاری موفق می‌شود با ارحله دختر یکی از اشراف از دواج کند اما در روز عروسی، خود، ندایی می‌شنود که کیست که مرا یاری کند؟ عبدالله پس از چندبار شنیدن آن صدا، منقلب شده و مجلس عروسی را ترک می‌کند. او به جست‌وجوی صدا بر می‌آید و برادران متعصب عروس که ترک مجلس عروسی را توهینی به خود دانسته و در پی‌اش روان می‌شوند. عبدالله به تاخت بیابان‌ها طای می‌کند و خود را به صحرای کربلا می‌رساند و...



انیمیشن سینمایی

ناسور

نویسنده کیانوش دلوند

کارگردان کیانوش دلوند

ژانر درام تاریخی

سال اکران ۱۳۹۵

معرفی روایت زندگی عبدالله بن حر جعفی، یکی از اهالی کوفه است که از حسین بن علی (ع) دعوت کرده تا به کوفه بیاید و زمانی که می‌شنوند سپاه به کوفه نزدیک شده است، از این شهر خارج می‌شود تا با حسین روبه‌رو نشود. اما ناگهان با او روبه‌رو شده و مجبور می‌شود تا دست در به سینه حسین بزند. از سوی دیگر نیز واقعه کربلا بخش اعظمی از داستان «ناسور» را دربر می‌گیرد. داستان درواقع از زمانی آغاز می‌شود (پس از نبرد کربلا) که قیس بن مالک، عبدالله بن حر جعفی را به همراه یک نفر از سپاه یزید دستگیر می‌کند و آنان ماجرای خودشان و شیعانی‌شان را تعریف می‌کنند.



نمایش

خاتون

کارگردان حسین عالم‌پخش

ژانر درام تاریخی

بازیگران علی بر جسی، فرهاد بشارتی، امید زندگانی، بهار ارجمند، عطیه غبیشاوی، کیمیا ملانی، شهرام عبدلی و...

سال اکران ۱۳۹۵

معرفی «خاتون» به وضعیت شام و بازگشت اسرای کربلا و محوریات داستان حضرت رقیه (س) پرداخته است. این اثر نمایشی به غفلت مردم و ارتباط نادرست‌شان با اهل‌بیت عصمت و طهارت (ع) پرداخته و دیسسه‌های بنی‌امیه و استقامت بانوی صبر سیدالشهدا (ع) را به تصویر کشیده است. فضایی داستانی کار در کنار پیام‌های کربلا و ظلم و جور به اهل‌بیت (ع)، از نکته‌های این اثر نمایشی است.



خیلی‌ها با دیدن این برنامه مسلمان شدند

گفت‌وگو با عباس موزون، مجری برنامه پربیننده «زندگی پس از زندگی»

پریسانوری
روزنامه‌نگار

گفت‌وگو
رکورد پربیننده‌ترین برنامه شبکه ۴ را از بدو تأسیس شکست و فصل‌های دوم تا چهارم‌ش هم در صدر برنامه‌های پرمخاطب سیما قرار گرفت. از عباس موزون، مجری برنامه که تهیه‌کنندگی، تحقیق و پژوهش آن را هم برعهده دارد و این روزها مشغول آماده‌سازی پنجمین فصل از برنامه است، درباره روند شکل‌گیری و چالش‌های ساخت این برنامه پرسیده‌ایم.

برنامه «زندگی پس از زندگی» در نوع خود

یک نگاه ساختارشکن به موضوع مرگ و زندگی دارد. چه چیزی باعث شد تصمیم به ساخت چنین برنامه‌ای بگیرید؟

از نوجوانی دغدغه‌ام این بود که چرا هر قدر به سمت دوره جوانی می‌روم، اطرافیانم از باکی‌های دنیای کودکی فاصله می‌گیرند و رفتارهایشان تیره‌تر می‌شود. در دبیرستان متوجه شدم که با وجود یک دوست مشترک بزرگ‌تر که همگی از او حرف‌شنوی داشته باشیم، این مشکل حل می‌شود. در نهایت به خدا رسیدم. بعد از آن برای بازداشتن از کار خطا و نادرست اطرافیان پای خدا را وسط می‌آوردم و می‌گفتم «اگر این کار را انجام دهی، خدا راضی نیست...» اما گاهی این کار هم فایده‌ای نداشت. آنجا برآیم سؤال ایجاد شد که چرا برخی خدا را نمی‌شناسند و با بحث و گفت‌وگو با مردم سعی کردم افکار آنها را ایمن‌انسم. این مباحثه و گفت‌وگوها حدود ۱۰ سال طول کشید تا به این نتیجه رسیدم که مغز ما را طوری پرورش داده‌اند که هر چیزی که ملموس و محسوس باشد را قبول و غیر از آن را انکار می‌کند. پس با مغزی که فقط ماده را قبول دارد، چطور می‌شود از خدا و فراماده حرف زد؟ این دغدغه من شده بود تا اینکه در ۲۴ سالگی که افسر وظیفه بودم، به تحقیقات یک روانپزشک و فیلسوف آمریکایی به نام «پرموند مودی» برخوردم که با روش‌های نوین به این نتیجه رسیده که بعد از اینکه جسم از کار می‌افتد، انسان از بدن خودش خارج می‌شود. این کشف یعنی اثبات فراماده با روش‌های مادی. آنجا بود که تصمیم گرفتم برنامه‌ای با این محتوا بسازم که به لطف خدا این امکان در سال‌های اخیر فراهم شد.

روند شکل‌گیری برنامه و پیدا کردن

سوزهبانان چطور بود؟
در اوایل دهه ۹۰ از طریق اینترنت و با برگزاری همایش‌هایی در شهرهای مختلف با تجربه‌گران ایرانی و خارجی آشنا شدم و تصمیم گرفتم کتابی با این موضوع بنویسم ولی به اصرار همسر به جای کتاب ساخت یک کار تصویری را اکلیل زدم؛ اما پولی برای این کار نداشتم و شبکه‌های مختلف سیما هم حاضر نبودند طرح را قبول کنند. این پول با فروش از نثیه پدري همسر تأمین شد؛ از این رو کارم را در صداوسیما راه کرده و به‌دنبال تجربه‌گران به شهرها و روستاهای بسیاری سفر کردم و با ۲۰ تجربه‌گر آشنا شدم. به لطف خدا و مهر دوستی که مدیر گروهی در شبکه ۴ شده بود و از قبل می‌دانست به‌دنبال ساخت این برنامه هستم، با مدیر وقت شبکه صحبت کردم و قرار شد برنامه «زندگی پس از زندگی» را برای این شبکه بسازم.

پیداست که نقش همسر تان در ساخت

این برنامه پررنگ بوده؛ درست است؟
بله؛ همسر اصرار داشت به جای نوشتن کتاب، یک برنامه تلویزیونی با این محتوا بسازم. دلیش هم این بود که برنامه تصویری مخاطبان و فراگیری بیشتری دارد. وقتی گفتم ساخت این برنامه امکانات، پول و وقت می‌خواهد و باید شغلم را کنار بگذارم، بدون اطلاع من زمینی را که از نثیه پدري‌اش بود فروخت و گفت این پول را طوری مدیریت کن که هزینه‌های زندگی و ساخت برنامه را بپردازم... من هم که دیدم همسر انقدر همت دارد که از مالش می‌گذرد، غیرتم گل کرد و این برنامه را ساختم.

کلید زدن و ساخت چنین کاری آن هم

بدون تجربه قبلی چالش‌برانگیز نبود؟

در ابتدای ساخت برنامه چالش‌ها یک شکل بود و در ادامه روند دیگری پیدا کرد. ابتدا چون برنامه شناخته‌شده نبود افرادی که تجربه‌شان را می‌گفتند نگران بودند که به دیوانگی، توهم و دروغ‌گویی متهم شوند. حتی یکی از آنها در مراقبت پرواز کار می‌کرد، اگر تجربه‌اش را در برنامه می‌گفت اجازه کار در آن پست حساس را نمی‌دادند و به نوعی از کار اخراج می‌شد. بخش دیگر چالش‌های راضی کردن خانواده تجربه‌گران بود. چالش سوم این بود که بعد از بازگو کردن تجربه‌شان گاهی روابط خانوادگی‌شان بهم می‌خورد. مثلاً یکی می‌گفت «هن وقتي از بدنم بیرون رفتم متوجه شدم که فلانی در قایل چیه کار بدی انجام داده یا متوجه شدم در دعوی آبردار حق یا برادری بوده که به ناحق محکوم شده...» بیان این تجربه‌ها در درس‌ساز ولی حل‌شدنی بود. به آنها می‌گفتم اسم و مشخصات این افراد را نیاورید. مثلاً نگویید پسرعموی... بگویید یک شخصی در قایل ما که تنش را نباشد. چالش دیگر این بود که برخی از تجربه‌گران اعتقاد داشتند تجربه‌شان در قالب کلمات نمی‌گنجد و هر چیزی از تجربه‌شان بگویند، آن را مخدوش می‌کنند. می‌گفتند وقتی می‌گویم «رنگ» فکر می‌کنید رنگ‌های معمولی را می‌گویم یا وقتی بگویم فلان چیز را دیدم فکر می‌کنید دیدن معمولی است، در صورتی که با آن چیزی که شما با چشم سر می‌بینید بسیار متفاوت است و... چالش بعدی که در فصل اول با آن درگیر بودیم این بود که هیچ‌کس از هیچ‌کجا ما را همراهی نمی‌کرد. استودیو و مجوز فیلمبرداری نداشتم و نمی‌توانستیم در خیابان هم فیلم بگیریم چون می‌گفتند «برای کی و کجا داری فیلم می‌گیری؟» و... در کنار چالش‌های مالی، بخش دیگر چالش‌ها مربوط به مقاومت پزشکان و حوزه علمیه بود. آنها تقدما و پرسش‌هایی داشتند که باید پاسخ داده می‌شد.

مثل اینکه چالش‌ها

یکی، دو تا نبوده است؟

اگر بخواهم چالش‌ها را بیان کنم تا فردا صبح می‌توانم صحبت کنم؛ من فقط بخشی از آنها را بازگو کردم. مخاطبان برنامه چه

افرادی بودند؟

مخاطبان ما ۲۰دسته از افراد بودند. بخشی که آمادگی پذیرش این موضوعات را داشتند. مخاطبی که مردد و گنگ بود و درباره این موضوع ابهام داشت و یک دسته هم مخاطبانی که از اساس مخالف موضوع بودند. آنچه کار را سخت می‌کرد این بود که من برای دفاع از این برنامه تنها بودم. نه مؤسسه و دانشگاهی و نه سازمانی بود که از کار دفاع کند و به‌تنهایی باید همه را قانع می‌کردم.

در فصل اول شما

به‌دنبال تجربه‌گران بودید و در

فصل‌های بعدی که برنامه شناخته

شده بود، تجربه‌گران برای روایت

تجربه‌شان با شما تماس می‌گرفتند.

روایت این افراد چطور صحت‌سنجی

می‌شد؟

برای بررسی افراد و مصاحبه‌های اولیه یک تیم ۴نفره به من کمک می‌کردند و افرادی که شاخص‌های اولیه را داشتند برای گفت‌وگو و صحت‌سنجی بیشتر به بنده ارجاع داده می‌شدند. صحت‌سنجی‌ها تلفیقی از سنجه پژوهشگران غربی است که در این حوزه با متخصصان نجوم، پزشکی، فیزیک، روانشناسی و... بیش از ۵۰سال تحقیق کرده‌اند. من با کارشناسان این مؤسسات مرتبط بودم. صحت‌سنجی‌ها شامل ۷۰سنجه بود که با تعدادی از اینها متن تجربه و با تعدادی خود تجربه‌گر بررسی می‌شد. ضمن اینکه ما با هر تجربه‌گر حداقل ۵بار مصاحبه می‌کردیم که این گفت‌وگوها طی چندماه و به شیوه‌های مختلف انجام می‌شد.

برای ساخت فصل چهارم

برنامه، به‌طور میانگین با چند

تجربه‌گر گفت‌وگو کردید؟

در فصل چهارم تجربه‌های ابرازی بیش از ۲۰۰ هزار و ۲۰۰ تجربه‌گر بررسی شد و از این تعداد ۲۸نفر به مرحله ضبط و

۴سال

با روایت‌های شگفت‌انگیز

«زندگی پس از زندگی»، برنامه‌ای متفاوت درباره مرگ و عالم ماوراء است که ۴فصل آن از ماه رمضان سال ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۲ در لحظات عرفانی افطار از شبکه ۴ سیما پخش شد. این برنامه روایت افرادی است که در تجربه‌ای نزدیک به مرگ از کالبد جسم خارج شده و عالم برزخ را درک کرده و بازگشته‌اند. تهیه‌کنندگان این برنامه با سفر به نقاط مختلف ایران و جهان، مهمان روایت‌های شگفت‌انگیزی از تجربه‌گران عالم می‌شوند. هر فصل از این برنامه در ۳۰ تا ۳۳ قسمت ۹۰ دقیقه‌ای تهیه‌کنندگی و اجرای عباس موزون در گروه ادب و هنر شبکه ۴ سیما تولید و پخش شده است.

ارتباط‌مان
با خدا بهتر شده است

چندین سال تحقیق و پژوهش در حوزه زندگی پس از مرگ و ارتباط نزدیک با تجربه‌گران این موضوع قطعاً بر نگاه فرد به زندگی تأثیر می‌گذارد. این پژوهشگر و کارگردان از تأثیر ساخت برنامه «زندگی پس از زندگی» بر زندگی شخصی‌اش اینطور می‌گوید: «ساخت این برنامه، با همه سختی‌ها و تلخی‌ها، تأثیر بسیار عمیق و شیرینی در زندگی خانوادگی ما گذاشته است. می‌گویم خانوادگی چون به‌دلیل نداشتن دفتر کار، پژوهش‌ها و پیگیری‌های این برنامه را در خانه انجام می‌دهم و همسر و فرزندانم ناخواسته در جریان همه موضوعات قرار می‌گیرند. هر چند بازگو کردن موضوعات تلخ روحیه آنها را خراب می‌کند، اما از طرفی گاه خواسته و ناخواسته تأثیر روحی‌اش را روی دختر و پسر می‌گذارد. فرزند نوجوانم مانند یک فرد بزرگسال به موضوع دنیا و آخرت نگاه می‌کند، دل‌هایمان بزرگ‌تر و ظرفیت‌هایمان بیشتر و از همه مهم‌تر ارتباط‌مان با خدا بهتر شده است.»

پخش برنامه رسیدند. برای رسیدن به این ۲۸گزینه، ۱۶۳ نفر مصاحبه مقابل دوربین داشتند. در یک نگاه ساده شاید برداشت مخاطب این باشد که ما ۲۰تجربه‌گر را انتخاب کرده‌ایم و ۳۰گفت‌وگو گرفته‌ایم، اما در واقع ما با ۱۶۳ نفر مصاحبه کرده‌ایم؛ گاهی برای ضبط روایت شاهدان ناچار بودیم به چند شهر مختلف سفر کنیم و... اینها مخاطرات و پیچیدگی‌هایی است که مخاطب در نگاه اول متوجه آنها نیست.

این برنامه در زمان پخش

و هفته‌ها پس از آن در محافل

عمومی بازخوردها و مخالفان و

موافقان بسیاری داشت. آنها را به

یاد دارید؟

یک بازخورد آماری داریم و یک بازخورد تجربی. براساس اعلام سازمان در فصل یک برنامه به لطف خدا پربیننده‌ترین برنامه شبکه ۴ از تاریخ تأسیس این شبکه شد. فصل دوم پربیننده‌ترین برنامه ماه رمضان تلویزیون در بین برنامه‌های نمایشی و غیرنمایشی شد و برای نخستین‌بار مخاطبان یک برنامه گفت‌وگو محور از مخاطبان برنامه‌های نمایشی تلویزیون پیشی گرفت. فصل‌های سوم و چهارم هم جزو ۳برنامه پربیننده تلویزیون شد. صرف‌نظر از آمار، بسیاری از افراد به من پیام می‌دادند که قصد خودکشی داشتند که با دیدن این برنامه منصرف شده‌اند. بین این افراد یک خانم روانپزشک بود که نوشته بود من وسایل خودکشی را آماده کرده بودم و می‌خواستم آن شب اقدام کنم که با دیدن برنامه شما منصرف شدم. در بحث مالی افراد زیادی اموالی را که از دیگران برده بودند پس دادند. یک مورد داشتیم که مردی بعد از ۲۱سال پول را به صاحبش بازگردانده بود... و یا یک فردی بود که از یک صندوق قرض‌الحسنه وام گرفته و خانه‌اش را عوض کرده بود ولی آن وام را بعد از تسویه نکرده بود که بعد از دیدن برنامه ما آن را پس داده و حالیت گرفته بود. ۴خانواده غیرمسلمان با دیدن این برنامه اسلام آوردند و یا فرد ۷۲ساله‌ای که تارک‌الصله بود، نماز خواندن را شروع کرد و افراد بسیاری که تصمیم گرفتند تا زنده‌اند از نثیه‌شان را به مساوات تقسیم کنند و... بازخوردهای برنامه بسیار زیاد بود که بخشی از آنها در صفحه اینستاگرام به نام فراماده Zendeги.feedback.mosbat منتشر شده و همه می‌توانند آن را ببینند.

آیا فصل پنجم این برنامه هم ساخته

می‌شود؟

معاونت سیما موافقت کلی دارد ولی باید کارهای اداری‌اش انجام شود. در حال حاضر مشغول انجام پژوهش‌ها هستم تا به‌محض انجام کارهای اداری این روند تسریع شود.

با توجه به ثابت

بودن موضوع، فکر می‌کنید تا چه زمانی ساخت این برنامه می‌تواند ادامه‌دار باشد بدون اینکه به کلیشه و تکرار برسد؟

از فصل اول هر سال این نگرانی را داشتیم که به تکرار بی‌فهمی ولی همیشه تلاش می‌کنیم تحولاتی تقریبی در فرم داشته باشیم و تغییرات نسبی در فرم داشته باشیم که برنامه تازه‌گی خودش را حفظ کند و خدا را شکر در هر فصل رضایت‌مندی‌ها هم بیشتر شده است. اما در نهایت کاش می‌شد پاسخ این سؤال را از خود کارگردان تهیه‌کننده و مجری اصلی‌اش یعنی خدای متعال ببرسیم، امدادهای غیبی خداوند را زیاد در این برنامه دیدم و گره‌هایی که به شکلی عجیب حین کار باز می‌شدند. کمک‌هایی که به کار می‌شد و یا حتی سوزدهایی که دوست داشتمم بیایند و بعد از اینکه نیامدند می‌دیدیم که چقدر خوب شد نیامدند. ما خودمان را رها کردیم و به دست خداوند سپردیم و دائماً روزانه از او می‌خواهیم مراقب‌مان باشد.



متولد: ۱۳۵۲- دزفول

تحصیلات: دکتری مدیریت
ویژگی: مجری، تهیه‌کننده، پژوهشگر، نویسنده و کارگردان برنامه‌های زنده زندگی
پس از زندگی، هندوستان و ایرانگرد (مدیرتحقیق)



صف‌آرایی خوبی‌ها

تهرانی‌های قدیم ارادت خود
را به دستگاه امام حسین (ع)
چنین ابراز می‌کردندامامزاده صالح فرحزاد
۱۳۳۰نوجوانان
وجوانان
پرچم‌دارند

حرکت دسته‌ای از حسینیته به سمت آستان امامزادگان صالح و ابوطالب در روز عاشورا یکی از رسوم قدیمی و ماندگار ساکنان محله فرحزاد است. در این روز با وجود تعداد زیاد شرکت‌کنندگان، عزاداران از میان کوچه‌های تنگ و باریک و خانه‌های گلی و کوچه‌های خاکی، می‌گذشتند و با سینه‌زنی و زنجیرزنی خودشان را به امامزادگان صالح و ابوطالب می‌رساندند تا مراسم نهایی و گردهمایی عمومی آنجا برگزار شود. در این میان حضور نوجوانان هم به‌عنوان پرچم‌داران حسینی پررنگ بوده و همچنان در این محله نوجوانان و جوانان پرچم‌دار هستند.

عکس از سبزه میدان
۱۳۱۰شورعاشورا
در سبزه
میدان

بیش از ۱۰۰ سال قبل اگر در روزهای عادی سال سبزه‌میدان، محل حضور بازاریان و کسب در آمد به شمار می‌آمد اما در ماه محرم و به‌ویژه در دوره قاجار این میدان به محل برپایی عزاداری‌ها تبدیل می‌شد. در روز عاشورا هم مردم اینجا گردهم می‌آمدند تا جایی که گردشگران و تاریخ‌نویسان عکس‌هایی را از این روزها ثبت کرده‌اند، به‌طوری‌که عکس عاشورای سال ۱۹۰۰ میلادی این میدان در موزه بروکلین نیویورک دیده شده است؛ موزه‌ای که گوشه‌ای از عکس‌های تاریخی ایران دوره قاجار در آنجا به نمایش درآمده است.

لویزان امامزاده پنج‌تن
۱۳۳۲اتحاد
اقوام در
امامزاده
پنج‌تن

از یک قرن پیش ماه محرم که از راه می‌رسید، هیئت‌های اقوام مختلف از نطنز می‌آمد و خوانساری‌ها، لواسانی‌ها، میگوینی‌ها و... در ده لویزان و حسین‌آباد برپا می‌شد. هر یک از این اقوام در گذر زمان به روستای لویزان مهاجرت کرده و ساکن بودند و محرم با توجه به آیین خود عزاداری می‌کردند اما روز عاشورا همه یکدل می‌شدند. دسته‌ها از نخستین ساعت‌های روز مویه‌کنان و سینه‌زنان از تپه بالا می‌رفتند و خودشان را به محدوده بقعه امامزاده پنج‌تن می‌رساندند. با شرکت در تعزیه، عده‌ای هم ندری می‌دادند و برخی هم بر سر مزار در گذشتگان خود فاتحه می‌خواندند.

نارمک
۱۳۳۰دستم
عمری است
دخیل علم
عباس است

یکی از رسوم‌های قدیم اهالی نارمک برپایی خیمه‌ها و تعزیه و روضه‌خوانی در این ایام بود. این عکس هم در دهه ۳۰ از این محله به یادگار مانده که یکی از معدودترین تصاویر به‌جا مانده است که از آلبوم خانوادگی تعزیه‌خوان معروف میرزا علی‌جا خوش کرده است. مردم نارمک و شرق تهران صبح عاشورا خود را به میدانهایی می‌رساندند که برای اجرای تعزیه از شب قبل آماده می‌شد و آنجا پای مرثیه‌تعزیه‌خوانان می‌نشستند و به خاندان ابا عبدالله ابراز ارادت می‌کردند.

عزاداران در مسیر جوز درخت
۱۳۴۰در و دیوار
می‌گرید

روز عاشورا که می‌رسید، دسته‌های روستاهای شرق شمیران از دارآبادی‌ها تا جمال‌آبادی‌ها، نیابوری‌ها، اهالی کاشانک و... راهی آرامگاه سیدابوطالب جوزی یا همان سیدجوز درختی و «سیداجاق» می‌شدند. گاهی جمعیت به ۱۲ هزار نفر می‌رسید. دسته‌های عزاداران وقتی به مزار سیدابوطالب جوزی نزدیک می‌شدند، سینه‌زنان شور می‌گرفتند و روضه‌خوانی به اوج می‌رسید. رسم بود تعزیه‌خوانی و شبیه‌خوانی هم به‌عنوان پایان مراسم آن روز، بر سر مزار سیدجوزی برگزار شود و در پایان عزاداران بر سر خاک اموات خود فاتحه می‌خواندند چون محلی که امروز به گلزار شهدای کاشانک معروف است، در گذشته آرامگاه قدیمی شمیرانی‌ها بود.

دریند
۱۳۵۱عزاداری
در گورستان
قدیمی

در خاطرات دور اهالی دریند مراسم روز عاشورا، با نخل گردانی ثبت شده است. در این روز عزاداران راهی آرامگاه قدیمی ییلاق خود می‌شدند؛ گورستانی که در مرکز آن، مزار سیدعلی دربندی یکی از بزرگان روستای دریند، در اواخر دوره ناصری قرار داشت. در دوره پهلوی و در جریان توسعه کاخ سعدآباد گرچه این قبرستان تا حدودی تخریب شد اما همچنان رسم عزاداری دربندی‌ها پابرجا بود و روز عاشورا در قبرستان دور هم جمع می‌شدند و عزاداری می‌کردند. این عزاداری در دهه ۵۰ها نوحه‌خوانی سیداحمد میری همراه بود و مردم هم با او هم‌نوا می‌کردند.

مراسم عاشورا
۱۳۴۰نخل گردانی
به سبک
قله‌کی‌ها

تهرانی‌ها هم نخل گردانی دارند و یکی از این نخل‌ها با قدمت بیش از ۱۵۰ سال در مسجد اعظم قلعه‌کلی است. با این تفاوت که نخل تهرانی‌ها یک فضای چوبی مشبک‌مانند است که یک طرفش باز است و سه طرف دیگرش را با چوب‌های مشبک آینه‌کاری کرده و رویش پارچه مخمل سیاه تزیین شده می‌اندازند. رسم بود زنان زیر آن نخل حلوای می‌پختند و زیارت عاشورای می‌خواندند. سپس حلوای میان سینه‌زنان پخش می‌کردند. اما در ظاهر عاشورا نخل را مردان در وسط مسجد می‌چرخاندند. بعد عزاداران نخل را از مسجد به امامزاده اسماعیل (ع) در محله زرگنده می‌بردند.

طرش
۱۳۳۰اطعام
نیازمندان
واهایی

از ۲۰۰ سال قبل مرحوم طرشتی نژاد از کدخداهای طرشت برخی از زمین‌ها و باغ‌های خود را وقف حسینیته کرد تا درآمدش در ماه محرم خرج اطعام اهالی شود، چون برخی از ساکنان، هفته‌ها نمی‌توانستند غذای درستی بخورند و حسینیته‌پنهانی برای اطعام آنها و پذیرایی روز عاشورا هم آنگوش بود. برای همین کوهی از هیزم را در گوشه‌ای از حسینیته جمع و عده‌ای زمان حضور مردم در دسته‌ها به گونه‌ای دیگر ادای دین می‌کردند. در پایان کار آتشیزها با همان چهره‌های سیاه شده ناشی از دود هیزم‌ها، غذاها را در اختیار دیگران می‌گذاشتند و بین عزاداران توزیع می‌کردند.

در شب و غروب عاشورا
هیئت کجا برویم؟

شب غربت

مهدیه تقوی‌راد
روزنامه‌نگار

با تمام شدن دهه اول محرم، مراسم عزاداری بسیاری از هیئت‌ها نیز تمام می‌شود اما تعدادی از هیئت‌ها تا شب شام‌غریبان و برخی تا روز سوم شهادت امام حسین (ع) و یاران شهیدش برنامه عزاداری دارند. برخی از هیئت‌ها مشتب مصادف با شب شام‌غریبان، آخرین شبی است که برنامه عزاداری و شام غریبان دارند که می‌توانید مهمانشان باشید.

هیئت ریحانه‌النبی (ص)

- سخنران: حجت‌الاسلام شیخ حسین انصاریان
- مداح: محمدحسین پویانفر
- ساعت روضه: از اذان مغرب و عشا
- نشانی: میدان تجریش، امامزاده صالح (ع)

هیئت عبداللّه بن الحسن (ع)

- سخنران: حجت‌الاسلام حسینی قمی
- مداح: حنیف طاهری
- ساعت روضه: از اذان مغرب و عشا
- نشانی: دیباجی شمالی، نرسیده به بزرگراه صدر، مسجد الرضا (ع)

حسینیته آیت‌الله علوی تهرانی

- سخنران: حجت‌الاسلام شیخ حسین انصاریان
- مداحان: مصطفی سماواتی، حسین ارضی
- ساعت روضه: از ساعت ۱۷
- نشانی: خیابان فاطمی غربی، خیابان اعتمادزاده

مسجد جامع بازار

- سخنران: آیت‌الله جوادان
- مداح: امیرعباسی
- ساعت روضه: از نماز مغرب و عشا
- نشانی: خیابان ۱۵ خرداد

هیئت مکتب الزهرا (ص)

- سخنرانان: حشمت‌الله قنبری و حجت‌الاسلام مهدی حسن‌آبادی
- مداحان: محمد رضا طاهری و حسین طاهری
- ساعت روضه: از اذان مغرب و عشا
- نشانی: خیابان شریعتی، خیابان شهدای ناجا (پلیس)، ستادفرماندهی انتظامی تهران بزرگ

هیئت عاشورا آئینان

- سخنران: حجت‌الاسلام سیدحسین آقامیری
- مداح: ابودر بیوکافی
- روضه: از ساعت ۲۰:۳۰
- نشانی: افسریه، بزرگراه بسیج، خیابان رحیمی

هیئت نورالبکاء

- سخنران: حجت‌الاسلام محسن تهرانی
- مداح: حسن خلج
- ساعت روضه: از ساعت ۱۷
- نشانی: خیابان مجاهدین اسلام، چهارراه آیسردار، کوچه اسلامی، کوچه سجادیان، بن‌بست صاحب‌الزمان

هیئت نورالرضا

- سخنران: حجت‌الاسلام عابدینی
- مداح: سیدمحمود علوی
- ساعت روضه: از ساعت ۱۷
- نشانی: از گل‌تپه‌ها جنوبی، گلستان شرقی، حوزه علمیه امام خمینی، مسجد امام رضا (ع)

هیئت میثاقی‌باشهدا

- سخنران: حجت‌الاسلام علیرضا پناهیان
- مداحان: امیرعباسی، فرید زرافشان
- ساعت روضه: از نماز مغرب و عشا
- نشانی: بزرگراه چمران، پل مدیریت، دانشگاه امام صادق (ع)

هیئت ریحانه‌الحسین (ص)

- سخنران: حجت‌الاسلام حامد کاشانی
- مداح: سیدمجدب‌بنی‌فاطمه
- ساعت روضه: از نماز مغرب و عشا
- نشانی: اشرافی اصفهانی، باغ فیض، خیابان ۲۲ بهمن، حسینیته معظم ریحانه‌الحسین (ص)

هیئت احرار الحسین (ع)

- سخنران: حجت‌الاسلام مسعود عالی
- مداح: حیدر خمسه
- ساعت روضه: از ساعت ۱۷:۳۰
- نشانی: بزرگراه شهید محلاتی، جنب پل ری، حسینیته انصارالحسین (ع)

هیئت آئین حسینی

- سخنران: حجت‌الاسلام حامد کاشانی
- مداح: تیمش مطیعی
- ساعت روضه: از ساعت ۲۱
- نشانی: بلوار کوک، خیابان دانشگاه مجتمع امام رضا (ع)